

رفیق نورالدین کیانوری:

# تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا است

صفحات ۳ و ۶

## دلاورپهای خلق در سنگرهای جنگ

نام در نمی آید. نام من که نه. نان عیال و اولاد. دخترکم تازه راه افتاده. پسرکم دوام راهنمائی است. توی يك زاغه زندگی می کنیم. تازه شانس آورده ایم. این مملکت پراست از آدمهایی که ۵۰ سال است جان می کنند و هنوز توی خیابان می خوانند».

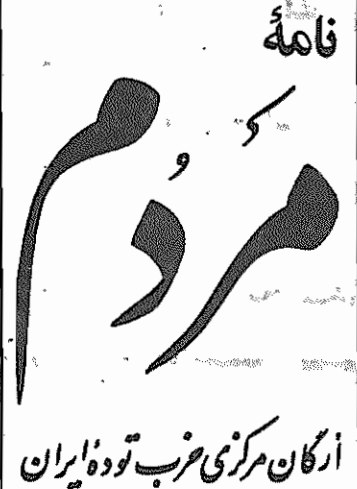
عبدالتبی نفسی کشید. لیوان چای را برایش پر کردیم. چهره اش را نمی دیدم. تنها برق چشمهایش بود که سنکر را روشن میکرد. این همان عبدالتبی دلاور چپه بود. مثل شیر می غرید. بی محابا توب ۱۰۶ را فنسک گذاری می کرد و شلیک می کرد. بارها دیده بودمش که تا ۱۰ متری بقیه در صفحه ۴

۶ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه های نبرد می گذرد. ۶ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می آفرینند. ۶ ماه است که خلق قهرمان ایران برگ برگ رهایی خویش را با خون رقم میزنند. آنچه از این پس، هر پنجشنبه در نامه «مردم» می خوانید، لحناتی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده ای از جبهه های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه ها بوده اند، تقاضا می کنیم که، با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

عبدالتبی را در صف اول جبهه شناختم. بلند قامت بود و سوخته؛ مثل نخلی در سینه باز دشت. راننده جیب حامل توب ۱۰۶ بود. شب تیره ای، زیر آسمان پرستاره جنوب، در عمق سنگر چای می نوشیدیم. غرق در آتش و دود، از تهاجم بدشمن بازگشته بودیم. رفیق حجت هم با ما بود. هنوز شپیدن شده بود. عبدالتبی خودش را معرفی کرد: «کارگر بندرم. حالا نزدیک ۴۰ سال را دارم. از این مدت ۴۴ سالش را کار کرده ام. دویده ام. عرق ریخته ام. جان کنده ام و لقمه نانی خورده ام. از ۱۰ سال پیش در بندر کار می کنم. زیر آفتاب تفت زده، تا خون عرق نکنم،

## «مجاهدین خلق» در لبه پرتگاه

پاسخی در اصول و مبانی به آقای مسعود رجوی و مسئولان نشریه «مجاهدین» را در روز یکشنبه ۲۴ اسفند ماه ۵۹ خواهید خواند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۶۶۶ پنجشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با ۵ جنادی الاول ۱۴۰۱ - به ۱۵ ریال

مبارزان و نویسنده گان مسلمان را توجه میدهیم:

## در دامی نیفتید، که در حال افشای آن هستید!

مائوئیست ها بدترین دشمنان مارکسیسم هستند که «سیا» وظیفه بدنام کردن سوسیالیسم علمی را، زیر پوشش مارکسیسم، به آنها سپرده است. عیار سیاست راستین مارکسیستی را باروش انقلابی مارکسیست های اصیل بسنجید، که در تمامی جهان یکی است: پشتیبانی از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بر رهبری امام خمینی!

میتینگ برگزار می کنند. اینجا مائوئیست های امریکائی نظرات موضعی بریا میسازند، آنجا «مجاهدین» بدام افتاده، تشنج و درگیری ایجاد می کنند ... به دقت که نگاه کنید، زنجیرهای را می بینید در حالی که آب را گل آلود می کنند، آنجا لیبرالها

سوداگران سازبان یافته، ساواکیها، وابستگان به رژیم طاغوت، کلان سرمایه داران و بزرگان، همراه با لیبرالها و مائوئیست های امریکائی و همچنین بدام افتادگانی چون «مجاهدین»، تشنج و درگیری را گام به گام گسترش می دهند: اینجا ساواکیها آب را گل آلود می کنند، آنجا لیبرالها

روابط عمومی دادسرای انقلاب اعلام کرد: محاکمه عباس امیر انتظام، ۵ روز دیگر آغاز می شود

روابط عمومی دادسرای انقلاب طی اطلاعیه ای اعلام کرد که ۵ روز دیگر، محاکمه عباس امیر انتظام عضو نهضت آزادی ایران و سخنگوی دولت موقت، که به اتهام جاسوسی برای آمریکا دستگیر شده است، آغاز میشود. با آتش یکانهای نیروی دریائی، چندین سنگر دشمن در خونین شهر منهدم شد در ادامه نبرد مدافعان انقلاب با نیروهای متجاوز صدامی در بقیه در صفحه ۷

## پیمان نظامی سرسپردگان امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس شکل میگیرد

پهنکامیکه ضد انقلاب داخلی بر کوشش های براندازانه خود می افزاید و لیبرال های وطنی و مائوئیست های امریکائی تهاجمی بی سابقه را برای خارج کردن امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق و انقلاب ما، از زیر ضربه پیکار ضد امپریالیستی آغاز نپاده اند، امپریالیسم آمریکا متحدان اروپائی آن و سرسپردگان آنها در منطقه، آشکار و پنهان به دمیسه های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مترقی و جنبش های آزادی بخش منطقه ادامه میدهند. کافی است که در این زمینه به چند خبر روزهای گذشته بنگریم: برای نمونه، وزیر دفاع آمریکا چند روز پیش گفت که: «ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه خلیج

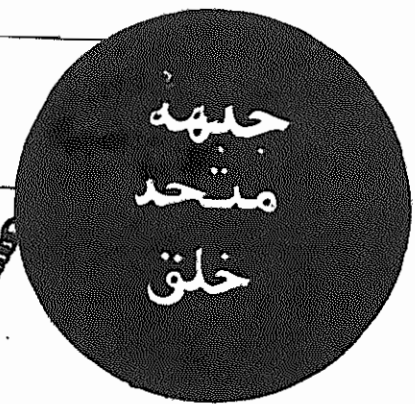
## ایجاد کنندگان درگیری و تشنج را بهتر بشناسیم

## «نقش گروه ضربت» در حوادث ۱۴ اسفند چه بود؟

۳- اولین تصمیم جلسه «گروه متحده» ضد انقلاب، تلاش برای تشدید هرچه بیشتر تشنجات و درگیری ها و دامن زدن به ناامنی در داخل کشور است. روش هایی که در این جلسه برای نیل به این هدف شوم، به تصویب رسیده، عبارتست از: الف- حمله و تخریب و ایجاد تشنج بنام و بعنوان «حفظ اسلام» یا «دفاع از آزادی» در ایران، ب- ایجاد اغتشاش های محلی بنام حزب توده ایران، پ- سوء استفاده از نارضائیا برای ایجاد و تشدید جو نارضائی بیشتر، ت- یورش به اعضاء و هواداران حزب توده ایران و نیز فدائیان خلق (اکثریت). ۴- بنا به گفته سران «گروه متحده» ضد انقلاب، عده ای از طریق مرز عراق و ایران، وارد ایران شده اند و «موفقیت هایی در زمینه تشکیل سازمانهای مخفی» بدست آورده اند. این عده نام «گروه ضربت» بر خود نهاده اند و هر کدام ماهیانه، نسبت به «کارهای انجام شده»، از او ایسی، حقوق دریافت میکنند. این اخبار، بار دیگر صحت هشدارهای ما را مبنی بر اینکه ایجاد تشنج، درگیری و ناامنی جز بسود ضد انقلاب نیست و سازمانده اصلی آن ضد انقلاب است، تأیید می کند. این اخبار بوضوح نشان میدهند که نیروهایی که، علیرغم نیت خویش، به روشهای ضد انقلاب روی می آورند، جز در جهت و بسود امپریالیسم آمریکا عمل نمی کنند. سؤال اکنون اینست: آیا «گروه ضربت» در حوادث ۱۴ اسفندماه دانشگاه تهران، شرکت نداشته است؟!

امپریالیسم آمریکا، و عوامل مستقیمش، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران توطئه میکنند، فعالیت های وسیعی را برای گسترش درگیری و تشنج در ایران آغاز کرده اند. ستاد اصلی ضد انقلاب سازمان یافته، که نقش مهمی در توطئه های اخیر ایفا می کند، در خارج از کشور قرار دارد. اطلاعات موثقی که از فعالیت این جنایتکاران بدست ما رسیده است، برخی از عناصر ضد انقلابی و نقشه های ضد انقلابی را چنین معرفی می کند: ۱- نماینده مدنی، که فردی بنام مهندس ملیکرزاده است و در هتل «می فر» May Fair لندن سکونت دارد، برای متحد کردن کلیه گروه های ضد انقلابی، از جمله سلطنت طلبان، فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. او تلاش میکند که يك گروه «متحده» از امینی، پختیار، او ایسی، جهم، نهاوندی، خسروانی، آریانا و عده ای از روشنفکران ضد انقلابی فراری تشکیل دهد. نخستین جلسه این گروه در ۲۲ فوریه ۱۹۸۱ (۳ اسفند ماه ۵۹) در لندن برگزار شد. ۲- گروه ضد انقلابی «سپهبد»، که در واقع سازمان جوانان ضد انقلاب را تشکیل میدهد، بر فعالیت خود در خارج از کشور افزوده است. اعضای این گروه بموازات تبلیغات وسیعی که علیه انقلاب بهرامانداخته اند، به جلسات مسلمانان انقلابی و نیز به جلسات اعضاء و هواداران حزب توده ایران، که در معرفی و دفاع از انقلاب تشکیل میشود، حمله می کنند. رهبری این گروه در دست فردی بنام جناب زاده و دو برادر بنام علی و علیرضا عطری قرار دارد.

برای سارده نام با سارده نام، دشمن اصلی مردم ایران، متحده است



مرکز برآمده  
سی

### دلاوری های خلق...

بقیه از صفحه ۱  
سینه تانک دشمن پیش میرفت، آنرا منهدم می کرد و باز میکشت، هر وقت صحبت شبیخون بود، عبدالنبی داوطلب اول بود. حالا داشت حرف میزد:

«انقلاب که شد، به خودم گفتم حالا نوبت ماست. گفتم به دیگه ظلم. گفتم این انقلاب کارگراست. نوبت انقلاب چشم حسابی بساز شد. شاه را شناختم. سرمایه دار را شناختم. فهمیدم همانوقت که زیر کوره خورشید، بند بند می لرزید و دلیم از گرسنگی چندروزه از جا کنده میشد، سرمایه دارها از قبل بکار من توی کیش عیاشی می کردند. فهمیدم که باید بند را از اها بیا بردارم. بعد شاه سرتگون شده، آنوقت یاد گرفتم که انقلاب تازه شروع شده. فهمیدم که باید آمریکا را ریشه کن کرد، که عامل همه بدبختی هاست. این بود که تا جنگ شروع شد، راه افتادم. زخم گریه کرد و گفتم نرو. من گفتم زن! تا انقلاب پیروز نشه، هیچ چیز عوض نمیشه. ما باید جان بکنیم و بعد هم بگیریم. اگر من مردم، عیسی نساورد. در عوض کارگرای دیگه نجات پیدا می کنند.»

می دیدم خشم از چشمهایش شعله می کشد. بعد بلند شد و گفت: «موفق باشید. استیراجت زیادی برای ما حرامه. باید رفت و جنگید.» از ستر که رفت، غرش توپخانه دشمن باردیگر شروع شد.

### \*\*\*

در بیمارستان چشم را که باز کردم، تازه فهمیدم چه شده است. گلوله دشمن چندجای تم را دریده بود. آبروز به دشمن حمله کردیم. دشمن تا دندان مجبور بود. من و رفیق حجت مسلسل داشتیم. عبدالنبی سوار بر جیب بود. برایش که دست تکان دادم، مثل شیر غرید. بعد تهاجم شروع شد. اول دیدم که رفیق حجت افتاد. بعد برقی پیش چشمم زد و دیگر چیزی نفهمیدم. حالا در بیمارستان بودم. تکان که خوردم، همه استخوانهایم تیر کشید. کسی آمد بالای سرم. گفتم: «حجت؟» چشمهایش پسر اشک شده.

گفت: «امروز صبح شهید شد.» گفتم: «عبدالنبی؟» صدائی از سمت چپم گفت: «من اینجا. خوشحالم.»

بلاخره بپوش آمدم. سرم را برگرداندم. عبدالنبی، همانطور که دراز کشیده بود، لبخند میزد. دستش را تکان داد و گفت: «مقاله کشاندن کارگران به اعتصاب و تحسن و درگیری توطئه ضدانقلاب است» که در شماره ۴۶۴ مورخ ۱۹ اسفند ۵۹ به چاپ رسیده جمله «مثلا

به رزمندگان تمام جبهه ها

## جنگ عادلانه

بیک دانه، جنگی - آلیاز آهن و فولاد و خون و مرگ - نقرت انگیز است

آری، اما من برای صلح می جنگم راستی را جنگ در راه استیجاب جنگی، چه دلاویز است!

### نارزند

کنیم. روزنامه ها را زیر لباسم گذاشتم و دویدم. شبی زبیر باران خمپاره دشمن بود. اول خودم را به ستر خمپاره رسانیدم. روزنامه ها را دادم. یکی از رفقا شروع کرد به بلند بلند خواندن آن و دیگران میزدیدند. این تازه نبود. کارمان همیشه این بود. واژه های تازه «هردم» گلوله میشد و یا آنرا بر پیکر دشمن می نشاندیم. از ستر بیرون آمدیم و سرعت شروع به دویدن کردیم. تا به سترهای دیگر برویم. نزدیک ستر بقدی، یک تانک ایرانی رد شد و دشمن آن را با به خمپاره بست. خودم را روی زمین پرت کردم. دویتم روی روزنامه ها بود. تکران چانه پیروم. هر اسم از خراب شدن روزنامه ها بود. همیشه بلند شدم باز گلوله باران شروع شد. دوباره روی زمین شیرجه رفتم. بعد سینه خیز راه افتادم. بلند میشدم و دوباره روی زمین شیرجه میرفتم. چند بار برگ از کنار عبور کرد. دهان پیروم بکنیدم اش را جیب کردم. همانطور تکران روزنامه ها بودم. که با آخرین شیرجه خودم را توی ستر تقیدی انداختیم. رفقا پرسیدند: «روزنامه آوردی؟»

روزنامه ها را در آوردم. حالا شلیک دشمن قطع شد. پیروم عیبی که آنجا بود، روزنامه را گرفت و آنرا بوسید. رفیق حجت آنرا به قلبش فشرد. رفیق پیرام آن را روی چشمهایش گذاشت. بعد همه به هم نگاه کردیم. اشک در چشمانمان حلقه زده بود. بعد همگی خندیدند. و سه رفیق قبرمان ما، با همان لبخند، به استقبال مرگ رفتند. حالا که هر روز صبح با «هردم» را میخرم، آن لبخند و اشک پیش چشمم جرح میزند. من حالا بپوش از هر کس میدانم واژه نامه «هردم» را خون شهدای توده ای تبرک کرده است.

سگی بریم جبهه؟ مرد که باید توی رختخواب بخوابه. خندیدم. گفتم: «جمله! فریاد زد: «جمله...»

### \*\*\*

یک ماه گذشته. تازه راه افتاده بودم. هر روز با عبدالنبی، که پای راستش را بریده بودند، شانه به شانه راه می افتادیم و قدم می زدیم. عبدالنبی پر از شور بود. لبریز از خشم. مدام میگفت: «جای ما اینجا نیست. جوینها دارند توی جبهه تکه تکه می شوند. هر چه اصرار میکنم مرا بفرستند جبهه، قبول نمی کنند. می گویند یک پا نداری، نمیشود. می گویم بایا هنوز یک پا دارم. تازه برای چکاندن ماشه که احتیاج به پا نیست. باز هم قبول نمی کنند. یک بار دیگر اصرار می کنم، اگر قبول نکردند، آنوقت خودم میدانم.»

پرسیدم: «چکار می کنی؟» عبدالنبی لبخندی زد و سکوت کرد.

### \*\*\*

یک هفته بعد، عبدالنبی ناپدید شد. همه جا پیچید که خودش را رسانده به جبهه، تا با دشمن بجنگد.

### اشک و لبخند شهدا

نامه «هردم» تازه رسیده بود. در سترهای خوتین شهر بیا متجاوزان می جنگیدیم. من مامور پخش روزنامه بودم. روزنامه که رسید، معطل نکردم. راه افتادم. می دانستم رفقای صبرانه در انتظارند. نامه «هردم» چلچله بود که به سترها مژده بهار می آورد. نامه «هردم» نیرو بود که در خونمان می دوید. روزنامه را که در معق ستر ورق می زدیم، هر کدام یک وارطان بودیم. یک روزی، هر کدام نیرو می گرفتیم، تا تیرا می باشیم، تا سیاهک باشیم، و هرگز رافتح

### تصحیح

ببارت صحیح چنین است: «ببارت صحیح چنین است: «ببارت صحیح چنین است» که بدینوسیله تصحیح می کرد.

کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پنج ماه است حقوق درسیافت نداشته اند، دو اشتباه چاپی دارد که بدینوسیله تصحیح می کرد.

## در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

رفیق نورالدین کیانوری

# تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای در هم شکستن توطئه هفتم آمریکا است

پوشش و پاسخ ۱۷ اسفند ۱۳۵۹

از همان جا دشمن نیروهای براندازی - می تواند وارد بشوند بیست جبهه نیروهای پایداری و رخنه بکنند و از داخل این جبهه را دچار سستی بکنند و از داخل منفجرش بکنند. اینکه رنجبر نوشته که جبهه مقاومت، جبهه پایداری، جبهه حاکمیت کنونی متزلزل است و از درون پوسیده است و می شود از درون آنرا منفجر کرد، یک استراتژی امپریالیسم و ارتجاع هست که میخواهد به اشکال مختلفه راه پیدا کند به درون این جبهه پایداری نیروهای انقلابی، به درون دستگاه حاکمیت و از درون به اشکال مختلف چه با افراطی گری و آن شیوه های کارفرار آوردن نه نیروهای مترقی، نیروهای واقعا وطن پرست که علاقمند هستند این حمله امپریالیسم را در هم شکنند، چه از راه های مختلف تخریبی به عنوان جلوگیری از انجام تصمیمات درست دولتی، تخریب در توزیع کالاها، تخریب در این که مجازات بشوند خیانت کاران، تخریب در تحقیق و دنباله گیری دسیسه ها و توطئه ها، و به اشکال مختلفه دیگر فلج بکنند عمل حاکمیت کنونی را. ما در این زمینه هم دلائل زیاد در اختیار مقامات جمهوری اسلامی گذاشته ایم، و هم اطلاعات وسیعی پیدا کرده ایم. من خیال می کنم که بر اساس مجموعه اطلاعات و دلائلی که به خود رهبری انقلاب هم رسیده است، امام بارها تکرار کرده اند که دشمن توانست است عناصر خودش را در همه نهادها وارد بکند، در کمیته ها بصورت پاسدار وارد بکنند، در دادگاه ها وارد بکنند، حتی در میان روحانیون به عنوان روحانی ما این را جا بزند و به وسیله آنها همان طوری که اخیرا محاکمه یکی از حکام شرع یکی از شهرستان های ایران نشان داد به وسیله آنها انقلاب ایران را بدنام کنند و حاکمیت انقلابی را تضعیف بکنند و زمینه را برای زورگدان شدن مردم از انقلاب و گرایش آنها به طرف ضدانقلاب یا اقل به لیبرال ها آماده بکنند این مبارزه دوطرفه ای است که ارتجاع انجام می دهد این مبارزه را به بطور استراتژیک در مجموعه جامعه ما از همان اولین روز انقلاب ضدانقلاب و ساواک شروع کرد به رخنه در نهادهای انقلابی، در دستگاه های دولتی و در این زمینه کار ما باید بگویی که امپریالیسم هم سابقه فوق العاده طولانی دارد و هم امکانات زیاد دارد. وقتی امپریالیسم توانست کسانی مانند پختیار را ده سال در یک جایی مثل سازمانی که طرفدار مصدق است نگه دارد، وقتی دبیر اول حزب ایران جاسوس ساواک بوده است و برای ساواک خبرچینی می کرده است، وقتی امثال تریه و امیرانتظام و در یادار علوی و مقدم رانهای و غیره را توانست در رهبری دولتی پس از انقلاب جا بزند و به وسیله این ها سیاست خودش را اعمال بکند، به نظر ما امپریالیسم به خصوص از مدت ها پیش به این طرف کوشش کرده است امثال بقایی ها را که ضربه به جنبش مصدق زدند در جاهای بسیار حساس بنشانند و به وسیله آنها از دو راه، از دوجا، ضربه های خودش را وارد بکنند.

## شیوه تحریک و آتش افروزی

در یک اطلاع دقیقی که از کار گروه های ساواکی برای یکی از این نمایش ها بدست ما رسید مطلع شدیم که اینها، دوبخش کرده بودند افراد خودشان را، یک بخشی از آنها می بایستی بصورت حزب الهی عمل بکنند و یک بخش از آنها بصورت جبهه و مجاهدین عمل بکنند تا تاتوی میدان همه را به چنان هم بیندازند وقتی همه را به چنان هم انداختند، بکشند کنار. این ماموریتی بوده است که ما به طور مشخص با اسم و آدرس و همه چیز آن افرادی که برای این کار آماده می شدند دوشب قبلش از این اطلاع پیدا کردیم. این سیاست، این شیوه کار، امروز نیست، این سیاستی است که ارتجاع در تمام دوران تاریخ به کار گرفته است یعنی فرستادن نیرو و کاتوره فرستادن تحریکچی و آتش افروز خلاصه این شیوه کار اینست که افرادی بروند در یک جایی شروع بکنند به دادن شعارها، به انجام بعضی حرکات که نیروهای موجود را عصبانی کند تا این عصبانیت بشکند بدی بروز کند، به نظر ما ساواک الان در دوطرف دارد کار می کند که بصورت موافقت با این شخصیت وهم بصورت مخالفت با این شخصیت و به اندازه کافی وقتی آتش را روشن کرد و طرفین را به چنان هم انداخت کار خودش را کرده است و به مرحله بعدی خواهد شتافت. در حمله ای که به حزب توده ایران شد به طور مشخص با اطلاعات دقیقی که در اختیار هیئت حاکمه گذاشتیم، معلوم شد که در آن حمله هم ساواکی ها بودند و هم گول خورده ها و بازی خورده های جوان بنام حزب الهی که خوب این بازی خورده ها واقعا آلت دست آن ساواکی ها قرار گرفته

در ۱۷ شهریور شاهد جریاناتی نظیر این بودیم. در این دوران اخیر بایستی گفت تظاهرات ۲۲ بهمن، تظاهرات امجدیه، ۱۴ اسفند سالروز فوت دکتر مصدق این سناریو این نمایشنامه به طور دقیق به مورد اجرا درآمد.

## جبهه براندازی انقلاب

این نمایشنامه همانطور که در اعلامیه حزب توده ایران گفته شده است نیروهای اصلی اش برای ما کاملا روشن هستند، که همان جبهه براندازی است، که بوسیله امپریالیسم آمریکا هدایت میشود و متشکل است از ضدانقلاب با تمام اجزایش، ضد انقلاب سازمان یافته نیروهای سرسپرده به امپریالیسم آمریکا و به رژیم آریامبری، بعد مائوئیست ها هستند، پیکاریا و رنجبریها، که اینها گروه های ضربتی امپریالیسم آمریکا در ایران هستند، باقیافت چپ و باقیافت مائوئیست مائوئیستی برای بدنام کردن کمونیستها در ایران و بعد سرمایه داری لیبرال ایران هست که جزء اقتصادیش گردانندگان بازار همین غارتگران همین هائی هستند که زندگی مردم را این جور تحت فشار گذاشته اند و خون مردم را زالوار می کنند و دلالان و میدان داران و غیره و نمایندگان سیاسی شان، نهضت آزادی و جبهه ملی دو سازمان بورژوازی لیبرال ایران و یک عده گروهکهای چپ و راست و کج و کوله دیگر، همه اینها نیروی اصلی این لایف براندازی هستند. همانطور که ما بارها گفتیم ما با تعجب نگاه می کنیم که آقای رئیس جمهور برخلاف تمام تعهداتی که در دوران انتخابات رئیس جمهور، در دوران مدتی هم بعد از انتخابات در راه مبارزه در جهت انقلاب به مردم ایران دادند و با وجودی که می بینند این نیروها، نیروهای هستند که به تمام معنی در جهت سیاست آمریکا برای براندازی انقلاب کار می کنند چرا تا بحال از این نیروها فاصله نگرفته اند و به طور مشخص خودشان را از اینها جدا نکرده اند و چرا تمام این نیروهای نظیر رنجبر را که خودشان را جزء نیروی ضربتی آقای بنی صدر، رئیس جمهور می دانند، از خود دور نکرده اند و جدایی خودشان را با این نیروها در برابر مردم ایران اعلام نکرده اند. دومین چیزی که برای ما تاسف آورده است همکاری سازمان مجاهدین خلق است با این جبهه براندازی که هدفش در صورتی که موفق بشود جز درهم شکستن انقلاب ایران و بدون تردید درهم شکستن و خرد کردن همان سازمان مجاهدین خلق و همان نیروهایی که الان خیال می کنند که از این راه می توانند به انقلاب ایران خدمت کنند نیست. ولی خوب دیگر تاسف زیاد تأثیر ندارد ما بارها این مسئله را تکرار کرده ایم ظاهرا سازمان مجاهدین خلق نه رهبریش و نه اکثریت افرادش در وضعی نیستند که چشمشان را بتوانند باز کنند و حقیقتی که الان در مقابل چشمشان می گذرد بینند، بینند که چه جور آنها در جبهه ای افتاده اند که در آن جبهه همه نیروهای ضد انقلاب برای هدف های امپریالیسم آمریکا مشغول فعالیت اند. اینست ارزیابی ما نسبت به حلقه. همانطور که گفتیم به نظر ما با اطلاعاتی که ما داریم آنچه که در تهران گذشت گوشه ای از این توطئه عظیم است.

## کودتای خزندهای در دست انجام است

این توطئه دیگر مثل کودتای نوزده یک توطئه یک روزی نیست، مثل حمله به مجلس یک ضربت غیر منتظره نیست، این توطئه کودتای خزندهایست که با تمام نیروی خودش، در تمام وسعت خودش دارد کار می کند. البته این یک طرف معامله است طرف دیگر معامله عبارتست از این که مردم انقلابی ایران هر روز بیشتر به زرفا و به بهانه های این توطئه و خطری که از این توطئه مجموعه انقلاب ایران را تهدید می کند پی می برند و ما عقیده داریم که این آن نیروی عظیمی هست که قدرت مقاومت و درهم شکستن این توطئه را به وجود خواهد آورد و تمام فعالیت حزب توده ایران هم بایستی در این جهت باشد، در جهت تجویز این نیروی عظیم خلقی و مردمی و توده ای باشد که بالقوه مخالف پیش روی چنین توطئه های هستند و بایستی بالفعل به میدان مبارزه بیایند برای جلوگیری و درهم شکستن این توطئه. به نظر ما این جا وظایف گردان های مختلف این نیروهای مقاومت، نیروی پایداری، جبهه پایداری متفاوت است و اگر هر یک از این گردان ها در هر یک از آن محیطی که برای فعالیت دارند وظایف خودشان را انجام ندهند تمام جبهه پایداری به خطر می افتد. در این جا دولت و مجلس وظایفی دارند سازمانها و نهادهای انقلابی وظایفی دارند، سازمان های سیاسی وظایفی دارند، هر کدام از اینها بایستی در جای خود به وظایف خودشان عمل بکنند. اگر یکی از اینها هم به وظایف خودش که یک طرف جبهه هست خوب عمل نکند و کوتاهی بکند، نواقص و کمبودهایی داشته باشد تمام حبه را بدون شک به خطر می اندازد. برای اینکه

کارگر تا روشنفکر از بازاری تایشور تا روحانی همه و همه از این غاصبین قدرت سیاسی، از حاکمین مستبد متمایل به یک ابر قدرت (مقصود این هست که حاکمیت کنونی متمایل به شوروی شده و کمونیست شده) به تنگ آمده اند کار بار دیگر به استخوانان رسیده است، وقت آنست که از استقامت مردم به مبارزه مردم رو کنیم و با مبارزه و مبارزه و مبارزه قدرت غصب شده را باز پس بگیریم.

پس حزب رنجبران مائوئیستها که عمال امپریالیسم آمریکا در ایران هستند به طور صریح دعوت می کنند به آخرین نبرد برای گرفتن قدرت دولتی. شیوه اش را هم نشان می دهند و می گویند: اوضاع برای ادامه انقلاب مساعد است باید به خود جرئت دهیم بر تشکل و وحدت خود بیفزاییم درهه جا در برابر حركات حاکمیت مستبد بایستیم و سیاست مشت در مقابل مشت را به اجرا در آوریم. چنانچه در سراسر ایران ما متشکل شویم و اتحاد بزرگ خود را به وجود آوریم و دامن گسترش دهیم، بی پروا گرد مشت ما چنان مشت پر قدرتی می شود که هیچ نیرویی را برای مقاومت در برابرش نخواهد بود. مستبدین حاکم از درون پوسیده اند، آنها از مردم می ترسند و در مقابل مردم رسوا می شوند. اینها را روزنامه رنجبر یعنی ارگان دسیسه آمریکا می نویسد یعنی تمام نقشه ای که حالا ما شاهد اجرائیش هستیم شرح داده شده است. جبهه متحدش را هم خودش توضیح داده، می نویسد:

«هر روز که می گذرد استبداد سرکوب دامنه اش گسترده تر می گردد هرج و مرج افزایش می یابد، وابستگی بیشتر می شود (مقصود وابستگی دولت کنونی هست به ابر قدرت شوروی) خطر تجزیه تمامیت ارضی کشور ما را تهدید می کند، اقتصاد کشور بحرانی تر می شود و در چنین احوالی که مردم حاضرند و موافق تغییر و اصلاح از مرحله استقامت، باید فراتر رفت و توده های مردم را برای کسب پیروزی هدایت نمود. آقای رئیس جمهور، شما در رهگذر تاریخ وظیفه سنگینی را به عهده گرفته اید و انحصار طلبان و مستبدین حاکم دیگر با عمال ابر قدرت روس همه گونه سازش و همسویی را به انجام رسانده اند. آنها با همکاری یکدیگر در پی کشاندن این انقلاب به شکست رفته اند اول از متحدین شما (یعنی متحدین آقای رئیس جمهور) و نیروهای سیاسی که از شما پشتیبانی کرده اند شروع نموده اند، به کلیه نیروهای ملی تحت عنوان ملی گرایان آمریکایی و به سوسیالیستهای انقلابی (یعنی این مائوئیستهای رنجبری) تحت عنوان مائوئیستهای امریکائی (که شغل واقعی شان را ما تعریف کردیم) به نیروهای اسلامی اصیل تحت عنوان لیبرالهای ضد خط امام و در خط امریکا حمله ور شده اند و به سرکوب خوین آنها مشغولند»

پس اینطور جبهه مخالف خودشان را هم نشان داده اند، جبهه متحد خودشان را هم که تعریف کرده اند. در این جبهه مائوئیستها هستند و لیبرالها هستند و رشکستان سیاسی که هنوز امیدوارند که قدرت را بگیرند. بعد می نویسند: «حزب ما (یعنی حزب رنجبران مائوئیستها) که مدتهاست به این جریان حاکم پی برده، تحقیق و بررسی همه جانبه ای در مورد همکاری و همبستگی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - که هر روز به ما فحش می دهد، حزب توده ایران، چریکهای اکثریت و گروه امت نموده است و نیک می داند که این جریان همان جریان مستبدین حاکم متمایل به روس است یعنی تمام رهبری جمهوری اسلامی، روحانیت مبارزه مستبدین متمایل به روس هستند و در جبهه متحد حزب توده ایران و چریکهای اکثریت همکاری می کنند و باید آنها را سرکوب کرد. خلاصه نظر این است: حزب ما - یعنی حزب رنجبر - معتقد است که امسال را باید به سال مبارزه و پیروزی تبدیل کرد اکثریت مردم ما قدرتمندند چنانچه آنها متشکل شوند و وحدت کنونی خود را انجام بدهند حتما قادرند که با قدرت لایزال خود مشت کوچک مستبدین حاکم را از اریکه قدرت به زیر کشند و به این دوره دوره خود کامگی و هرج و مرج خاتمه بخشند. آقای رئیس جمهور مردم را به مبارزه و کسب پیروزی دعوت کنید، مردم حاضرند همراه شما قیام کنند و انقلاب بزرگ پیروزمندان را بار دیگر در مسیر استقلال، آزادی و شعار نه شرقی نه غربی قرار دهند»

با این قرار معلوم شد که انقلاب اول مال آقای رئیس جمهور است و مال کس دیگری نیست، ملت ایران دخالتی نداشته، بعد هم آقای رئیس جمهور کافی است دعوت بکنند تا تمام نیروهایی که رنجبر معرفی کرده و رویشان تکیه کرده به میدان جنگ بیایند. خوب ما می بینیم که یک سناریوی کامل تدارک دیده شده و تمام اجزایش قدم به قدم به موقع اجرا گذاشته می شود. ۲۲ بهمن جزئی از این نقشه اجرا شد، قبل از آن هم البته در روز عاشورا و بازم قبل از آن

سوال: نظر حزب توده ایران درباره میتینگ روز پنجشنبه (۱۴ اسفند ۱۳۵۹) دانشگاه و حوادث مشابه روزهای اخیر چیست؟  
جواب: همانطور که در پاسخ حملات رئیس جمهور به حزب توده ایران در روز عاشورا نشان دادیم، الان توطئه هفتم آمریکا، که خطوط کلی آنرا ریگان و سایر سیاستمداران آمریکا تعیین کرده اند، در حال اجراست.

## بقای حاکمیت انقلابی در ایران با منافع آمریکا مغایرت دارد

خطوط این توطئه بطور کلی چه بود؟ همانطور که میدانیم آقای ریگان، پس از آنکه به قدرت رسید به طور خیلی روشن بیان کرد که حاکمیت کنونی ایران باید سرنگون شود و دولتی متشکل از میانه - روهه دولتی از «معتدل ها و علاقه روی کار بیاید، تا در جهت بهبود مناسبات با آمریکا قدم بردارد. یا همانطور که یکی از مشاوران سیاست خارجی آمریکا گفت بقای حاکمیت کنونی ایران که بقول او در اکثریت کنونی مجلس و دولت کنونی آقای رجایی متبلور میشود، با منافع حیاتی آمریکا مغایرت دارد و باید بهر شکل شده سرنگون شود. راه این سرنگونی را هم چندی پیش در فیلم تلویزیونی، که در تلویزیون آمریکا نشان داده شده، نشان دادند. بدین ترتیب که باید در ایران اغتشاشات و تشنجات داخلی توسعه پیدا کند، از جمله میخواستند بازار را تعطیل کنند و مدارس را به تعطیل بکشانند. یعنی قصد آنست که بهر شکل شده است از ثبات اوضاع ایران جلوگیری شود و با استفاده از دشواریهایی که در نتیجه تجاوز امپریالیسم آمریکا و صدام بوجود آمده است، وضع سیاسی ایران متزلزل و شرایط برای روی کار آوردن لیبرالها آماده گردد. همان لیبرالهایی، که این روزها همه جا خود را معرفی می کنند: بازمانده های دولت دکام به گام و مائوئیستهای رنکارنگ اطراف آنها.

## هدف آمریکا بازگشت بدوران گذشته، در چند مرحله است

از یکراز گفتارهای دیگر سیاستمداران آمریکا به طور مشخص اینطور معلوم است که آنها میدوار هستند تشنج داخلی ایران تا حد بروز جنگهای داخلی در ایران توسعه پیدا بکند و آمریکا آماده هست که در صورت بروز جنگ داخلی در ایران نیروهای خودش را در ایران پیاده بکند برای کمک به آن طرفی که در جهت سازش و همکاری با سیاست آمریکاست. ضدانقلاب ایران هم که هم در داخل سازماندهی خودش را بیشتر توسعه می دهد و هم در خارج آماده همین لحظات بحرانی در اوضاع داخلی ایران هست تا وارد عمل شود.

به این ترتیب جریان این توطئه هفتم عبارتست از متزلزل کردن نظام اجتماعی جمهوری اسلامی در شکل گیری خودش، آماده کردن زمینه برای یک تغییر بنیادی به سود هواداران سیاست آمریکا. حداقل این تغییر به صورت روی کار آوردن یک دولت گام به گام میانه روهه از بورژوازی لیبرال هست که سیاست آنطور که آقای هلمز در روزهای اخیر مشخص کرد سیاست تحکیم دوستی با آمریکا است و تجدید مناسبات گذشته است و حداکثرش این هست که بتواند رژیم ضدانقلابی را در ایران دمرتبه مستقر بکند و اویسی و بختیار و هیالکی هایشان را به ایران بیاورد. البته هنوز برای ضدانقلاب و برای امپریالیسم زود است که بتواند آن نقشه آخری خود را اجرا کند، آن امید آخری خودش را به کرسی بنشانند و حتما کوشش خواهد کرد که این بازگشت به دوران گذشته را اگر موفق بشود در چند مرحله انجام بدهد یک مرحله جاده صاف کنی به وسیله بورژوازی ملی و بعد مراحل تکمیلی آن که استقرار مجدد همان وضع گذشته در ایران هست. خوب این نقشه دیگر الان دو سه ماه هست که تمام اطرافش کاملا مشخص است. در ایران هم ما تقریباً می بینیم که طرح ریزی این نقشه در روزنامه ای که ارتباطش با دسیسه آمریکا و دستگاه های جاسوسی آمریکا دیگر بدون تردید هست یعنی در روزنامه رنجبر، مائوئیستها، که مستقیماً بایستی آنرا زبان دسیسه آمریکا دانست، به طور مشخص آمده است.

## سناریوی کامل را «رنجبر» ارائه کرده است

قبل از تظاهرات ۲۲ بهمن، در شماره شانزده بهمن این روزنامه ما به طور دقیق این نقشه را به عنوان اعلامیه حزب رنجبران ایران میخوانیم که میگوید: «توده های مردم ایران از روستا تا شهر، از

# از فعالیت ضدانقلاب در کارخانه «بنز خاور» جلوگیری کنید

**\* کارگران باید عناصر ضدانقلاب را از میان خود طرد کنند و هرگونه زمینه فعالیت ضدانقلاب را از بین ببرند.**

از سوی مقامات مسئول بصیبات، اطاع و حدی دررفع مشکلات گرفته نمی شود. ولی این نیز نادرست است که در شرایط کنونی، از طریق شیوه های حاد مبارزه برای تأمین خواست ها استفاده شود و کم کاری و اعتصاب به میان آید. در حالی که بی تردید، شرایط ویژه محکم می کند که سطح تولید بالاتر رود و کاری فزون تر از گذشته انجام شود. کارگران باید با مسائل موجود، به شیوه های انقلابی و با بینش اصولی و عمیق برخورد کنند و در دام توطئه ها و تحریکات ضدانقلاب نیافتند.

که به علت اشتباهات و ندانم کاری های مسئولان به وجود آمده است، علیه انقلاب سود می برد. کوناهای درمورد تدوین قانون جدید کار، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، مسائل مربوط به سود ویژه، ماده ۳۳ قانون کار و غیره نارضایتی هایی را در بین کارگران ایجاد کرده است و این زمینه ساز فعالیت ضد انقلاب در کارخانه بوده است.

برای جلوگیری از فعالیت ضد انقلاب، ضرور است که اقداماتی جدی صورت گیرد، که بعضا عبارتست از: - طرح و تدوین قانون جدید کار، که در برگزیده خواست های قانونی کارگران باشد،

- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، - تعیین میزان پرداخت سود ویژه و تعیین تکلیف ماده ۳۳ قانون کار. این اقدام ها زمینه های فعالیت ضدانقلاب را کم و محدود می کند. اما برای پایان بخشیدن به فعالیت ضد

شده بود، انجمن اسلامی کارخانه نیز اطلاعاتی صادر کرد که در آن، ضمن افشای ماهیت این عناصر و خرابکاری هایی که در کارخانه انجام می دهند، با اشاره به گروهک ضدانقلابی، گفته بود:

"اگر راست می گوید و در عقیده و افکار خود صادقید و به جایی و به کسی وابسته نیستید، و خلاصه اگر یکی در گفش ندارید، مطالب خود را در مجمع عمومی کارکنان بیان کنید و یا در دفتر کار برادران اعضا شورا حضورا نظرات و پیشنهادات خود را با آن ها در میان گذارید."

- انجمن اسلامی ضمن احترام به اصل آزادی عقیده و بیان و انتقاد سارنده هرگونه فعالیت مخفی و دزدانه را علیه شورا توطئه های درجهت تضعیف نمایندگان کارکنان دانسته و آن را شدیداً محکوم می نماید.

خرابکارانه این عضو شورا خود، مناسبانه با اوقاطعانه مقابله نمی کند. در ارتباط با مسائل موجود در کارخانه، شورا تصمیم دارد پنجاه تومان از هر کارگر برای صندوق شورا (در واقع برای صندوق اعتصاب) بگیرد. اقدام فوق گامی است در نحوه خواست عضو توطئه گرشورا و اقدام های ضدانقلابی او برای ایجاد جو مناسب

**\* عناصر ضدانقلاب، با سوء استفاده از ناپسندیمها و کمبودها، زمینه اعتصاب و کم کاری و تعطیل شدن کارخانه را مهیا می کنند.**

در جهت به اعتصاب کشاندن کارگران و تعطیل کردن کارخانه.

**بخش اعلامیه ضدانقلابی در کارخانه**

چند روز پس از سخنرانی این - صو شورا در حضور کارگران، اعلامیه ای تحت عنوان "بیهانه های شورا" از سوی گروهکی ضدانقلابی به نام "هسته اتحاد کارگر" پخش شد، که نوشته های آن شباهت عجیبی (منهای موضع گیری های آن در برابر شورا) با سخنان سخص مذکور داشت. در این اعلامیه نیز از کارگران خواسته شده بود تا "صندوق اعتصاب" را تشکیل دهند و در مقابل شورا ایستادگی کنند!

از شواهد چنین برمی آید که این گروهک، علیرغم موضع گیری سرسختانه خود در برابر شورا، دقیقاً خواست های این عضو نفوذ شورا را بیان می کند، و این سؤال انگیز است.

## اطلاعیه انجمن اسلامی

در ارتباط با اطلاعاتی که از سوی ضدانقلاب در سطح کارخانه پخش

شده است "بنز خاور" در تدارک اعتصاب و آشوبگری است. مدتی است که ضدانقلاب در کارخانه "بنز خاور" فعالیت خود را افزایش داده است و با انواع تحریکات سعی دارد کارگران را به اعتصاب بکشاند. در این میان نقش عناصر ضدانقلاب، که به داخل نهادهای صنفی کارگران و شورا نفوذ کرده اند، حائز اهمیت است.

این عناصر، با انواع تحریکات، از ناپسندیمها و کمبودها سود می جویند و زمینه های اعتصاب و کم کاری و تعطیل شدن کارخانه را مهیا می کنند.

از جمله تحریکاتی که توسط یکی از اعضا مهم شورا صورت می گیرد، تشویق کارگران به اعتصاب و تشکیل صندوق اعتصاب است، که در این مورد می توان از سخنرانی وی در یکی از جلسه های کارگران در تاریخ ۱۸ بهمن، که به دعوت شورای کارخانه انجام شد، نام برد. در این جلسه "این عضو شورا" با مطرح کردن مسئله سود ویژه، تصمیمات دولت مبنی بر پرداخت دو ماه یا دس ماه به عنوان "علی الحساب" قبول کرد، او هم چنین ضمن طرح برنامه طبقه بندی مشاغل، برای گرفتن این حق قانونی کارگران، حربه اعتصاب و کم کاری را پیشنهاد کرد و گفت:

"اما چون ما صندوق اعتصاب نداریم و نمی توانیم در صورت اعتصاب کارگران را از نظر مالی تأمین کنیم، نمی توانیم در این شرایط اعتصاب کنیم!"

در اینجا بد نیست اشاره ای به شورا داشته باشیم، که علیرغم اقدامهای

**\* باید علاوه بر حل مشکلات داخلی کارخانه ها، عناصر ضدانقلاب را، که در نپاذهای صنفی کارگران نفوذ کرده اند، پاکسازی کرد.**

این پیشنهاد "انجمن اسلامی" کارخانه درست است که کارگران برای بیان نظریات و پیشنهادهای خود به شورا و نمایندگان خود مراجعه کنند و مسائل خود را با آن ها مطرح کنند، تا از این طریق و با تماس با مقامات مسئول در رفع مشکلات موجود بکوشند. هم چنین کارگران باید عناصر ضد انقلابی را از میان خود طرد کنند و هرگونه زمینه فعالیت آنان را از بین ببرند.

امید است با اقدام های مثبت، چهار طرف کارگران و چهار طرف مسئولان، کارخانه "بنز خاور" از ناپسندیمها و سوب نجات یابد.

انقلاب، باید علاوه بر حل مشکلات داخلی کارخانه ها، عناصر ضدانقلاب را، که به داخل نهادهای صنفی کارگران، توراها و هم چنین مدیریت کارخانه ها نفوذ کرده اند، پاکسازی کرد، در برورد با کارگران نیز مسائل مطرح شده را باید با خود کارگران در میان گذاشت و شرایط را برای آن ها توضیح داد و از آن ها باری گرفت.

## چند کلمه ای با کارگران

کارگران، نیز وظیفه سنگینی را در شرایط کنونی بر عهده دارند. درست است که کمبودها و نارسایی هایی دیده می شود و درست است که در مواردی،

## سخنی با مسئولان

وضع کارخانه "بنز خاور"، بحرانی است و این بحران علل گوناگونی دارد: پس از پیروزی انقلاب، لازمه پیروزی جامعه، پاکسازی کارخانه ها، مراکز تولیدی، ادارات و دیگر نهادهای دولتی از کشوری از ضد انقلاب و جلوگیری از فعالیت مخرب آن بود.

اما مناسبانه نه تنها عناصر ضدانقلابی پاکسازی نشدند، بلکه فرصت یافتند تا در داخل نهادهای انقلابی نفوذ کنند و به کارشکنی و توطئه بپردازند. ضدانقلاب در حال حاضر در "بنز خاور" فعال است و از کمبودهایی

# بارسیدگی بوضع کارگران اخراجی کارخانه کمپیدرو» از بروز تشنج در این واحد جلوگیری کنید

یادآوری کنیم، کارفرماها و مدیران کارخانه ها و شرکت ها، هر زمان که مایل باشند، قادرند کارگران را اخراج کنند و این به دلیل ماده کنای ۳۳ قانون کار است، قانونی که در رژیم طاغوت حافظ منافع سرمایه داران و کارفرماها بود.

پس از انقلاب این خواست کارگران، یعنی محو قوانین طاغوتی، حداقل چیزی بود که می باستی تأمین می شد. یکی از همین قوانین ماده ۳۳ قانون کار بود، کم کاری و مامشات در این مورد تاکنون باعث ایجاد نارضایتی ها و تشنجات بسیاری شده و زمینه مناسبی را برای فعالیت ضدانقلاب در محیط های کارگری بوجود آورده است.

اخراج کارگران تنها باید طبق ضوابط کارگری و با دخالت مستقیم نمایندگان کارگران صورت گیرد. در کارخانه وظیفه اخراج یا عدم اخراج کارگران بردوش سازمان ها و تشکیلات کارگری است و آنها هستند که در این مورد تصمیم می گیرند.

در کارخانه کمپیدرو نیز اخراج ۵ کارگر و جریمه یکی دیگر، باعث تشنج و درگیری شد.

مدیر عامل به میل خود کارگران را جریمه می کند، اخراج می کند و به سر کار بازمی گرداند. و اینها همه طبق "قوانین" کارگری صورت می گیرد. مسئولین این وظیفه را دارند که با اتخاذ سیاستی درست و بارسیدگی به مشکلات کارگران کارخانه کمپیدرو جلوگیری از اعمال ضد کارگری، از بروز تشنجات بیشتر در کارخانه ممانعت به عمل آورند.

در پی اخراج ۵ تن از کارگران کارخانه کمپیدرو سبزی، جو متشنجی در کارخانه بوجود آمده است. بارسیدگی به مشکل کارگران اخراجی، باید از حوتننج در کارخانه جلوگیری کرد.

کارخانه کمپیدرو، سازنده کبیرسو، پستون، ارارهای بادی و حکنی های حفاری است و در "قره ملک" تبریز قرار دارد.

چندی پیش مدیر عامل جدیدی برای کارخانه منصوب شد. با انتصاب مدیر عامل جدید، اختلافاتی بین کارگران و مدیر عامل بروز کرد، که باعث نسج در کارخانه شد.

جدیدی پیش مدیر عامل دو نفر از کارگران را به جرم اینکه در ساعت کار به حمام رفته اند، به ده روز اخراج از کارخانه محکوم کرد، که در پی آن کارگران به اعتراض برخاستند. جریان درگیری به کمیته کشیده شد. در کمیته کارگران با ادای توضیحاتی، اجازه ورود به کارخانه و شروع به کار را گرفتند. ولی مدیر عامل یک نفر از کارگرانی را که به کمیته رفته بود، ۱۰ روز جریمه و ۵ نفر را نیز اخراج کرد.

کارگران اخراجی به این مناسبت، شکایتی به دادگاه معرفی کردند. از طرف دیگر این مسئله باعث ناراحتی کارگران شد، که ضدانقلاب به راحتی می تواند از آن در جهت هدف های خود سود برد.

مسئله اخراج کارگران یکی از عمده ترین مسائل کارگری پس از انقلاب بوده هست. ما در اینجا قصد بررسی علل اخراج کارگران را نداریم، بلکه می خواهیم وجود قوانین ضد کارگری را

# در «سازمان بهسازی و عمران جنوب» تشدید تشنج و نارضایتی با اخراج کارگران - بسود ضد انقلاب است

مدیران عامل نباید به خود حق بدهند که کارگران را اخراج کنند.

فرار داد، به منظور جلوگیری از تشنج بیشتر در سازمان، کارگران فرار داد جدیدی را امضاء کردند، که زیر نظر نمایندگان خود آنان تدوین شده و به موافقت مدیر عامل نیز رسیده بود. اما پس از آن، مدیر عامل مجدداً به مخالفت پرداخت و گفت: "محتوای قرارداد رسا و کامل نیست و باید قرارداد جدیدی را که ما

فقط سندی کای کارگران، بسا در دست داشتن عذر موجه، می تواند در این زمینه تصمیم بگیرد.

کاراه و ضدانقلابی این عناصر، اقدام های قاطع و انقلابی لازم است. اقدام در جهت مافع کارگران، در جهت حفظ مافع انقلاب نیز هست. در نامه "مردم" بارها از اخراج کارگران و اینکه این عمل باعث ایجاد نارضایتی بین کارگران می شود، کمبودها را افزایش می دهد و بر انبوه بیگاران سر خواهد افزود، سخن رفته است.

بارها در مورد عواقب خطرناک ایس عمل هشدار داده شده است. ولی علی رغم مشکلاتی که تاکنون اخراج کارگران بوجود آورده و ضدانقلاب سب از آن نهایت استفاده را کرده است، هنوز این احرارجا ادامه دارد، و هیچ مرجع قانونی نیز برای جلوگیری از این عمل، اقدامی بعمل نمی آورد.

اخراج کارگران نباید بدست کارفرما صورت گیرد. این اختیار باید از کارفرماها گرفته شود. اخراج کارگران تنها باید توسط سندی کاه ها صورت گیرد، و در صورت اخراج نیز کار دیگری به کارگر اخراج شده واگذار شود.

با برکناری مدیران عاملی که جو نارضایتی را تشدید می کنند و زمینه مناسب را برای فعالیت ضدانقلاب مهیا می سازند، می توان فعالیت ضدانقلاب را در این محیط ها خنثی کرد و انقلاب را در راه اهدافش به پیش برد.

تهیه می کنیم، امضاء کنید". این عمل باعث نارضایتی کارگران شد، و خطر درگیری و اغتشاس در محیط سازمان را فرا گرفت. ولی با کمک کارگران آگاه، با اتخاذ روس صصح و اصولی، از این درگیری جلوگیری شد و کارگران با مراجعه به وزارت کار، مشکلات خود را با مسئولین مطرح

تهیه می کنیم، امضاء کنید". این عمل باعث نارضایتی کارگران شد، و خطر درگیری و اغتشاس در محیط سازمان را فرا گرفت. ولی با کمک کارگران آگاه، با اتخاذ روس صصح و اصولی، از این درگیری جلوگیری شد و کارگران با مراجعه به وزارت کار، مشکلات خود را با مسئولین مطرح

تهیه می کنیم، امضاء کنید". این عمل باعث نارضایتی کارگران شد، و خطر درگیری و اغتشاس در محیط سازمان را فرا گرفت. ولی با کمک کارگران آگاه، با اتخاذ روس صصح و اصولی، از این درگیری جلوگیری شد و کارگران با مراجعه به وزارت کار، مشکلات خود را با مسئولین مطرح

**\* در هر حال باید برای همه کارگران، همواره، کار وجود داشته باشد.**

کردند. کارگران پس از مدتی، در میان اسواع پیشنهاد های احرارجی که از طرف گروهکی ضدانقلابی مطرح می شد، قراردادی را، که از طرف مدیر عامل تهیه شده بود، امضاء کردند. مدیر عامل نیز پس از امضای قرارداد، کارگران را اخراج کرد.

امروز، کشور ما درگیر مبارزهای شدید با امپریالیسم آمریکاو ضدانقلاب داخلی برورده آن است. امپریالیسم آمریکا سعی دارد، هر جا که ممکن است توسط ایادی خود، آشوب و اغتشاش و درگیری بیاکند. دشمن خصوصاً سعی می کند این درگیریها در محیط های

"سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران" از سازمانهای وابسته به شهر - داری تهران است. این سازمان به منظور انجام پاره ای فعالیت های عمرانی در جنوب شهر تهران تاسیس شده است. در این سازمان به علت فعالیت های ضدانقلاب بر نارضایتی های کارگران و تشنج محیط کار دامن رده می شود.

در آبان ماه سال گذشته، این سازمان برای انجام پروژه های بحس پارکها و فضای سبز مبادرت با استخدام گروهی کارگر ساده و فنی بطور روز مزد کرد. این گروه طبق ضوابط مندرج در بخشنامه ای که از طرف شهرداری تهران صادر شده بود، می بايست بعد از ۸۹ روز احرارج شوند و کارگران جدیدی به جای آنها به سر کار آیند.

این بخشنامه از جانب مدیریت بختن پارکها با مخالفت روبرو شد، و بر اثر اقدامات این بخش از مدیریت، پس از اتمام ۸۹ روز، کارگران مجدداً به کار خود ادامه دادند.

این اقدام مخالفت بحس دیگری از مدیریت سازمان را به همراه داشت. اقدامات گروه اخیر به گونه ای است که محیط کار را به آشوب و کارگران را به اعتصاب و تحصن می کشاند. در ارتباط با این مسئله، و پس از انتقال مدیریت انقلابی (بخش پارکها) از سازمان، از ماه آبان سال جاری تا کنون دشمن مزد کارگران پرداخته شده است، با این بهانه که چون کارگران تا بحال طبق قرارداد شفاهی به کار اشتغال دانسته اند، برای روشن شدن وضع خود، باید قرارداد کتبی را امضاء می کردند، که طبق آن، کارفرما سواد هر موع "صلاح" دید، کارگران را اخراج کند. پس از مخالفت کارگران با این

### گذری به دو روستای زرنند کرمان

#### حاضریم تمام زندگیمان را در اختیار برادران جنگ زده مناطق جنگی بگذاریم

#### اهالی روستا:

روستای ارجمندیه، که در ۴۰ کیلومتری زرنند از توابع استان کرمان واقع شده است، ۲۰ خانوار را دربر می گیرد، که اکثر خوش نشین و عده های نیز خرده مالک هستند. روستای مذکور تقریباً ۵۰ دهات اطراف زرنند در مالکیت بزرگ مالکی بنام حاج محمد ارجمندی بوده، که بعد از مرگش به وراثت اورسیده است. (یکی از فرزندان این شخص، بنام هوشنگ ارجمندی، چندی قبل در جنگل های کرمان به همراه دکتر بیقائی که از اطراف آن و مجریان اساسی کودتای ۲۸ مرداد است، دستگیر و پس از مدتی آزاد شد.)

این روستا دارای ۶ تلمبه آب است که ۴ دستگاه آن متعلق به بزرگ مالکان و ۲ دستگاه هم در دست روستائیان است. یکی از این دو دستگاه، پس از پیروزی انقلاب، به کمک جهاد سازندگی نصب شده است. باینکه آب لوله کشی وجود دارد، ولی آب شورا است و برای تأمین

آب شیرین هنوز اقدامی انجام نشده است. این روستا هم چنین فاقد در مانگه و امکانات بهداشتی است و اهالی برای درمان باید به زرنند بروند. روستای ارجمندی امکانات تدریس تا کلاس پنجم ابتدائی را دارد، که ساختمان مدرسه آن در زلزله اخیر آسیب دیده است. دانش آموزان، پس از دوره دبستان، برای گذراندن راهنمایی به روستای نجف آباد می روند.

مردم ارجمندی پس از تجاوز رژیم صدام به ایران، که جزئی از توطئه آمریکا علیه انقلاب مابود، با وجود فقر زیاد، مقدار قابل توجهی پسته برای مناطق جنگی فرستاده اند و می گویند: "حاضریم زندگی خودمان را در اختیار برادران مناطق جنگ زده بگذاریم". امید است جهاد سازندگی و سایر مسئولین با اقدامات قاطع و انقلابی، از قبیل کمک به تشکیل شوراهای واقعی ده که متکی به خود دهقانان باشد، و اجرای

تمام و تمام قانون اصلاحات ارضی و همچنین رسیدگی به مسائل زندگی مردم این روستا، باعث شوند که دهقانان این پشتیبانان انقلاب در جبهه نبرد اقتصادی علیه آمریکا انقلاب را یاری کنند.

محصول عمده روستای عزیز آباد در جنوب شرقی شهرستان زرنند کرمان، مانند سایر روستاهای زرنند، پسته است. حدود ۴۰ تا ۵۰ هکتار زمین باغات پسته این ده را تشکیل می دهد.

روستائیان تا کنون مقدار زیادی پسته جهت کمک به برادران جنگ زده به مناطق جنگی فرستاده اند. اینان نیز مانند سایر دهقانان منطقه می گفتند که: "حاضریم هرچه داریم در اختیار جنگ زدگان قرار دهیم".

این زحمتکشان پشتیبان اصلی انقلابند. اگر کمک لازم به آنها انجام شود، آنها با دلگرمی بیشتری به تولید خواهند پرداخت.

جهاد سازندگی را از جمله در شهرستان گلبایگان - نداشتن با شند و با گذشت زمان، که زوال خود را مشاهده می کنند، توطئه های خود را گسترش دهند. این زحمتکشان روستا و شهرند که با تمام نیرو پشتیبان انقلاب و ارگان های انقلابی هستند، همچنان که در گلبایگان نشان دادند. در این مورد نیز مردم روستائیان، با شور فراوان، از سر گرفتن فعالیت جهاد سازندگی را طلب کردند و به این خواست خود رسیدند.

دهقانان گلبایگان امید دارند که با اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، تفاهلهای رژیم گذشته را سر-حای خود بنشانند و می طلبند که کماکان جهاد سازندگی هر چه بیشتر اقدامات انقلابی اش را با فعالیت بگیر گسترش دهد.

### توطئه بزرگ مالکان در گلبایگان

یاری می رسانند. چندی پیش، در پی اهانت یکی از فرزندان فئودال های منطقه به انقلاب و جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی قاطعانه به اعتراض برخاست و به نیروهای انقلابی هشدار داد و خواستار رسیدگی مسئولان قضائی شد. طبیعی است که دشمنان انقلاب و بزرگ مالکان چشم دیدن اقدامات

با گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران، ضد انقلابیون و طاغوتیان به تکاپو افتاده اند، تا مدتی دیگر هر چند کوتاه به مغارتگری و زورگویی ادامه دهند. در شهرستان گلبایگان، فئودالها و بزرگ مالکان، آتانی که یک عمر خون روستائیان را مکیدند، به فعالیت ضد-انقلابی خود ادامه می دهند. آنها متأسفانه از حمایت بعضی از مراجع تقلید، که با اسلام راستین سرسازش ندارند و روحانی نمایانی که خواهان جایگزین شدن اسلام طاغوتی و آمریکائی به جای اسلام راستین امام خمینی هستند برخوردارند. خوشبختانه در برابر، روحانیت متعهد و نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، در مبارزه علیه ضد انقلابیون نقش مهمی را دارا هستند و با حمایت از دهقانان به انقلاب

### هر چه زودتر به دهقانان خوزستانی کمک برسائید

است. کمک نهادهای انقلابی و مقامات مسئول دولتی کاملاً ضروری است. مشکل دیگر دهقانان آفات نباتی است، که چون سم آفات نباتی خیلی گران است و کشاورزان قادر به خرید آن نیستند، خود مانع بزرگی است در راه فعالیت های کشاورزی. اما با تمام این تفاسیل، کشاورزان پارهای از دهات به ابتکار خود، با درک این مسئله (جنگ تحمیلی و فشار اقتصادی امپریالیسم) با ابتدائی ترین وسایل، پس از ۱۵ سال یا بیشتر، دوباره مصیبتی کاری را شروع کردند. تجربه بعضی از دهات، که با کمک و برنامهریزی شورای روستائی این کار را شروع کردند، بسیار خوب بوده، به بطوریکه بصورت جمعی "بیشه زارها" را آباد کرده اند و بزرگش بردمانند.

رژیم گذشته اقتصاد کشاورزی استان را عمداً روبه نابودی برد، تا واحدهای سرمایه داری و اغلب وابسته به انحصارات امپریالیستی وجود آورد و ایران را به یک کشور محط چدائی آمریکا بدل کند. دولت انقلابی اینک میتواند نشان دهد که، علیرغم جنگ تحمیلی و شرایط استثنائی، با تکیه به خود دهقانان و شوراهای ده و با اعطای کمک های بسیار ضروری، بویژه در مورد آب و سموم ضد آفات و وسایل کشت، نظیر کود و بذر و غیره، میتواند حتی در نزدیکی خط جبهه، کشاورزی شکوفائی را در این استان زرخیز پیام بریزی کند.

اعطای کمک های دولتی و تشویق دهقانان خوزستانی اهمیت حیاتی معظفات نظر اقتصادی، بلکه از نظر سیاسی نیز دارد.

به علت جنگ تحمیلی رژیم صدام بر مبنی انقلابی ما، فعالیت های کشاورزی تقریباً در دهات اطراف شهر-های بزرگ خوزستان مانند: خونین شهر، آبادان و اهواز و... که قسمت عمده محصولات کشاورزی و میوه جات نه تنها استان خوزستان، بلکه بسیاری نقاط دیگر را نیز تا مین می گردند، متوقف شده است. با در نظر گرفتن این مسئله که کشت بهاره برای تولید هندوانه و گوجه فرنگی و خربزه و... شروع شده و زمین های اطراف رودخانه کارون، امسال در منطقه جنگی قسار دارند و امکان بهره برداری از آنها نیست، بر مسئولین امور در خوزستان است که به نقاط دورتر این استان، یعنی شهرهای پشت جبهه توجه جدی مبذول دارند. باید از راه تشویق کشاورزان این نواحی و واگذاری امکانات لازم، از قبیل تراکتور، بذر و کود و... به آنها، کمبودها جبران شود تا در تولید محصولات نقصانی حاصل نگردد.

شهرستان بهبهان با داشتن دو رودخانه بزرگ: "زهره" و "مارون"، مکان مناسبی برای تولید صیفی جات است، اما با مشکلاتی که از دوران طاغوت برای کشاورزان این منطقه به ارث رسیده، یعنی خراب شدن "نهرها" و "قنوات" و بطور کلی سیستم آبرسانی و عدم توجه و کمک نهادهای طاغوتی به کشاورزان، امکان بهره برداری به حداقل کاهش یافته بود. مثلاً اغلب "نهرهای آب" از دهانه مسدود شده و با گل ولای پوشانده گردیده و یا قسمت-هایی از نهر بریده شده اند، که بازسازی آنها از عهده کشاورزان به تنهایی خارج

### بزرگ مالک منطقه نوشهر در اندیشه خام و ضد انقلابی بازگشت رژیم گذشته است

یکی از بزرگ مالکان منطقه نوشهر تا صلاح الدین کلا، ۴۰ هکتار زمین دهقانان صلاح الدین کلا را در زمان شاه ملعون غصب کرده است. این زمین در حال حاضر به مصرف رها شده و بر اثر علف های هرز است. دهقانان که صاحب واقعی زمین هستند، هر چه تلاش می کنند نمی توانند این ۴۰ هکتار را، از دست بزرگ مالک خارج سازند و به زیر کشت ببرند، با اینکه زمین مذکور، هم از آب کافی برخوردار است و هم مساعد کشت است، بزرگ مالک بر اساس اندیشه خام شایعه-پراکنی و ضد انقلابی خود به دهقانان می گوید: "اگر دست به زمین بزنید، پس از سرنگونی این رژیم (!) می دانم با شما چه کنم!"

لازم است که با واگذاری زمین به دهقانان، در اسرع وقت، آرزوی بزرگ مالکان به پاس میدل گردد و حق به دهقانان تهیدست برسد. و از انقلاب، در عمل، دفاع شود.

### اهالی روستای «رودبارسا» آماده همکاری برای حل مسائل ده هستند

متعاقباً آمادگی خود را برای همکاری با شرکت برق منطقه ای اعلام کردند. ولی همانطور که در سایر جاهان نیز دیده شده، در این میان عده ای از عناصر وابسته به گروهک های چپ نما، با عنوان کردن این مطلب که اینگونه کارها مربوط به دولت است، کوشیدند در این کار اختلال کنند و جلوی اتحاد مردم و همکاری آنها را بگیرند. اما نقشه آنها با هوشیاری روستائیان آگاه عقیم ماند. آنها دست رد به سینه چپ نماها، که در واقع آب به آسیاب دشمن می ریزند و موجب ناب رضائی دهقانان میشوند، زدند. و به این ترتیب اهالی این روستا بار دیگر آمادگی خود را جهت پیشبرد اهداف انقلاب ایران نشان دادند.

اهالی روستای "رودبارسا" برای گرفتن هرگونه بهانه ای از دست نفاق افکنان و شایعه پردازان، از مقامات مسئول شرکت برق منطقه ای می خواهند که هر چه زودتر امر برق رسانی به این روستا را به مورد اجراء بگذارند و دهقانان را به انقلاب و دستاورد های آن امیدوار سازند.

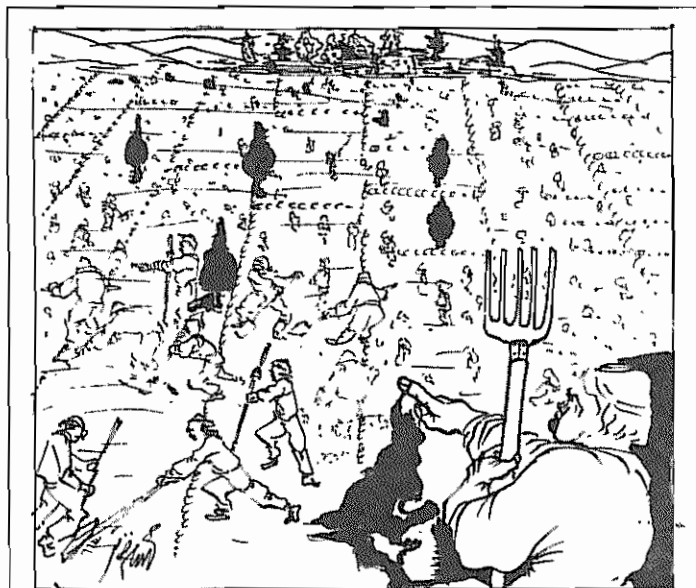
اهالی روستای رودبار سدا، هشتیر آمادگی خود را برای همکاری و کمک به شرکت برق منطقه ای جهت رساندن برق این روستا اعلام کردند. پیش از این قرار بود روستای "رودبارسا" تا پایان سال ۵۹ دارای برق شود. اما اکنون که چیزی به پایان سال جاری نمانده، هنوز هیچگونه اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

پس از مراجعات مکرر اهالی به مقامات مسئول برق منطقه ای استان گیلان، معلوم شد که بیما تکار پول بیشتری خواسته است و به همین دلیل شرکت برق منطقه ای قادر نیست که این امر مهم را انجام دهد. مقامات مسئول همچنین خاطر نشان ساختند که اگر اهالی روستا بتوانند در این مورد از نظر نیروی انسانی شرکت را یاری کنند، این شرکت خواهد توانست امر برق رسانی را انجام دهد.

اهالی روستای "رودبارسا"، با توجه به شرایط حساس کشور ما و اولویت-هایی که در سطح میهن برای مقابله با تجاوز آمریکائی صدام وجود دارد،



فئودال: زمین مال من است. دلم نخواست کشت هم نمی کنم!



دهقان: زمین مال ماست، دست به دست هم، همه زمینها را زیر کشت می بریم!

### واگذاری اراضی حاجی ضد انقلابی در روستای «سه هزار» توسط هیئت ۷ نفری، عملی انقلابی و کاملاً مورد تأیید دهقانان است

در روستای سه هزار در حوالی تنکابن، اراضی وسیع یک حاجی میان دهقانان این منطقه تقسیم شد و اکنون این زمینها زیر کشت گندم است. حاجی این روزها سخت نگران است و از هر فرصت استفاده می کند، تا علیه انقلاب تبلیغ کند از جمله چندی پیش هنگامی که مینی بوس حامل دهقانان به سوی روستای دوهزار تنکابن در حرکت بود، وی دهقانان را تشویق می کرد که تریاک بکشند. این حاجی، بی پروا به

آیت الله منتظری: هرگز سه استثمار را به هر شکل، اقتضای اسلامی، از بین میبرد. هر کس به اندازه قدرتش باید کار کند و دسترنج هر فرد از آن او بوده و حاصل کار هر کس باید به خودش بازگردد. نه اینکه طبقه ای دیگر دسترنج آنان را غصب نماید.

بقیه از صفحه ۲

### رفیق نورالدین کیانوری:

## تمام فعالیت حزب توده ایران در جهت تجهیز نیروی عظیم مردمی برای درهم شکستن توطئه هفتم امریکاست

### باید به جریانات اخیر و رابطه آن با توطئه‌ها، رسیدگی کامل بشود

و اما امروز حالا ما امیدوار هستیم که این بار رسیدگی کامل به این جریاناتی که انجام گرفته بشود. مقامات مختلف همه روی این نکته پافشاری کرده‌اند و ما از همه پافشاری بیشتر میکنیم چون معتقد بوده‌ایم و هستیم که اگر واقعا به این جریان رسیدگی بشود، ریشه‌های گندیده این جریان ضد انقلابی در ایران با تمام اجزای تشکیل دهنده‌اش می‌تواند کشف شود. ولی شرط اساسی اینست که واقعا این جریان دنباله‌گیری بشود و پیدا و معلوم بشود که آن ریشه‌ها در کجا هستند. بکنان ما نتیجه این رسیدگی باعث خواهد شد که حتی دو طرف اصلی این اختلاف را در حاکمیت کنونی در مقابل واقعیت‌های شکست‌انگیزی قرار بدهد و ببینند که چگونه دشمن دارد هر روز بیشتر حاکم بر جو سیاسی در ایران می‌شود. یعنی چگونه ضدانقلاب، امپریالیسم آمریکا و مخالفان در ایران دارد به عامل تعیین کننده جو سیاسی داخلی ایران تبدیل می‌شود و ببینند که این دشمن است که از پشت - مثل آن بازیهای خیمه شب بازی - بندها را در دست دارد و جریانات را دارد قدم به قدم می‌کشد به طرف تشنج هرچه بیشتر و به طرف برخورد نیروهایی که قسمت اعظمشان می‌بایستی در یک جبهه علیه امپریالیسم بچینند. در لفظه کنونی که تجاوز عراق در کشور ما هست تعجب آور نیست بلکه کاملا قابل انتظار بود که درست به موازات همین جریانات یعنی درست در همان موقعی که هیئت نمایندگی کشورهای اسلامی برای پیدا کردن راه حل مسالمت آمیزی برای خاتمه دادن به این جنگ په ایران آمده‌اند این جریانات به این شکل حادث شد و درست در ارتباط با این جریانات عراق حملات وحشیانه خودش را نسبت به شهرهای غربی ایران به طور شدیدی بالا برده است. این نشان دهنده این است که آنها به چه شکل از توطئه امپریالیستی که با موفقیت نسبی روبرو شده شاد هستند و چطور این توطئه را جزئی از آن نقشه وسیع تجاوز خودشان تلقی می‌کنند و چطور این دو جریان روی همدیگر تاثیر متقابل پیدا می‌کند. این جریان داخلی به آنها میدان می‌دهد تا مسئله جنگ را در درجه دوم اهمیت بگذارند و به آنها امکان بدهد که به حمایت خودشان توسعه بدهند و آن جریان برای اینکه عوامل تشنج را در ایران هر قدر که ممکن هست تشدید بکنند، تقویت بکنند و جبهه پایداری ملت ایران را در مقابل این هجوم امپریالیستی تضعیف بکنند.

به طور خلاصه به نظر ما توطئه هفتم امریکا با همان عناصری که من در اول صحبت‌هایم گفتم الان بشدت دارد اجرا میشود و تنها بیداری نیروهای انقلابی، اتحاد نیروهای انقلابی و نیفتادن در دام‌های تحریک و شانتاژ همان طوری که روزنامه نامه مردم امروز توضیح داده بود می‌تواند این توطئه را هم مثل توطئه‌های قبل باناکامی روبرو بکند.

### انقلاب نیروی عظیمی را در اختیار دارد

جنبش انقلابی ایران هنوز نیروهای عظیمی در اختیار دارد. با وجود همه دشواریها و ناراحتی‌هایی که در نتیجه همین دشواریهای ناشی از جنگ، ناشی از محاصره اقتصادی و ناشی از کمبودها و نارسایی‌هایی که در کار و تصمیمات حاکمیت کنونی در میان مردم وسعت پیدا کرده، معدک جبهه دفاع از انقلاب هنوز نیروی عظیمی را در اختیار دارد و می‌تواند این نیرو را اگر درست تجهیز بکنند و وارد میدان نبردی بکنند این توطئه را هم مثل توطئه‌های قبل درهم بشکنند. ما هم تمام تلاشمان در همین جهت خواهد بود. علیرغم تمام تحریکاتی که علیه ما نه تنها از طرف دشمنان که کاملا طبیعی است بلکه از طرف نیروهای راستین مبارز انقلابی علیه ما میشود ما پوستان کلفت است چهل سال مبارزه مستقیم در تاریخ اخیر و تجربه‌گیری از صد و سی سال مبارزه کمونیستی‌های اصیل در دنیا و تجربه‌گیری از هزاران سال مبارزه محرومان در دوران بردگی تا امروز به اندازه کافی سیر مقاومت ما را در برابر این گونه توطئه‌ها نیرومند کرده است. کسانی که تصور می‌کنند که با این نوع تحریکات می‌توانند اصحاب ما را خراب بکنند یک اشتباه خیلی بزرگی در زندگیشان کرده‌اند و بالاخره روزی می‌برند که بخلاف رفته‌اند.

در این مسئله چند سؤال شده است درباره ۲۸ مرداد و این سؤالات در ارتباط هست با سالروز مرگ دکتر مصدق و تحلیل‌هایی که در روزنامه‌های مختلف در ارتباط با این سالروز درباره جریان ۲۸ مرداد داده

شده. ما به این دلیل که در روزنامه‌های مختلفی این مسائل نوشته شده می‌خواهیم به این مسئله توجه بدهیم که واقعا ما از فاجعه ۲۸ مرداد چه بایستی بیاموزیم.

### درس از شکست ۲۸ مرداد، برای درهم شکستن توطئه امروز امریکا

کسانی که واقعا طرفدار مبارزه راستین انقلابی مردم ایران هستند همه بر یک مسئله اعتراف دارند که دشمن اصلی تمام زحمتکشان جهان و در هر حال دشمن اصلی انقلاب مشخص کنونی ما امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. همه در این وحدت نظر دارند که امپریالیسم آمریکا با تمام قوای خودش درصدد این هست که این انقلاب را با شکست روبرو بکند و همه در این وحدت نظر دارند که امپریالیسم آمریکا با کمک ضدانقلاب، با کمک همه نیروهایی که طرفدار سازش با امپریالیسم آمریکا هستند تا به حال چندین توطئه به حساب ما شش توطئه مهم، برای درهم شکستن انقلاب ایران انجام داده و فعلا هم در جریان اجرای توطئه جدید خودش هست و علاوه بر این توطئه‌ها در تدارک این هست که در هر لحظه مناسمی که جرتش را پیدا بکند و امکانش را پیدا بکند با نیروی عظیم نظامی که در منطقه متمرکز کرده است انقلاب ایران را با سرنوشته‌های مانند شیلی، مصر، اندونزی و یا نظایر آنها روبرو بکند. خوب اگر در این مسئله عمده ما می‌بینیم که در بین خیلی از نیروها حتی نیروهایی که نسبت به حزب ما با نظر نه فقط غیردوستانه بلکه به طور مشخص خصمانه برخورد می‌کنند ولی هوادار استقلال ایران فقط در مقابل تسلط غارتگرانه امپریالیسم آمریکا هستند یعنی حتی آن نیروهایی که تصور می‌کنند که با کنار آمدن با اروپا ممکن است انقلاب ایران را با موفقیت روبرو بکنند ولی واقعا ضد امریکایی هستند، اگر در این مسئله مهم ما شریک هستیم خیلی ضروری است که ما از یک تجربه تاریخی خودمان یعنی از فاجعه ۲۸ مرداد که درست به همین وضع در آن تاریخ وجود داشته است بهره بگیریم و به طور دقیق مطالعه بکنیم که تاکتیک‌های امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن جنبش ملی نفت، برای انجام کودتا برای سرنگون کردن دولت ملی دکتر مصدق و روی کار آوردن دولت مورد علاقه خودش، این تاکتیک‌ها واقعا در عمل چگونه بوده است و از این درس از این آموزش، آنوقت بیاییم این تاکتیک‌هایی که امروز بوسیله امپریالیسم در ایران انجام می‌گیرد این تاکتیک‌ها را بشناسیم آنها را که زیر یک پوششی انجام می‌گیرند و تقلب آمیزند آنها را بشکافیم، افشا بکنیم و در آن دام توطئه‌هایی که امپریالیسم در ۲۸ مرداد گسترده و مقداری از نیروهای انقلابی در آن دام افتادند، دیگر در آن دام نیفتیم. واقعا بزرگترین درس‌های شکست ۲۸ مرداد در چه چیزی هست؟ به نظر ما امپریالیسم انگلستان که کهنه کار و با سابقه در ایران بود و در دوران قبل از بالاگرفتن جنبش ملی مبارزه برای ملی کردن نفت و در دوران مصدق هم تمام شریک‌های عمده دستگاه سیاسی نظامی و اقتصادی را در دست خودش داشت و آن قسمتی هم که دیگر یواش یواش آمریکایی‌ها رسوخ کرده بودند و اشغال کرده بودند در همکاری کامل با آنها بود. آنها از همان روزهای اول اوج‌گیری جنبش مبارزه ضد امپریالیستی ایران بعد از جنگ دوم جهانی، حساب روزهای خطرناک خودشان را کرده بودند. آنها می‌دانستند که احتمال اینکه جنبش بتواند موفقیت‌هایی پیدا کند هست و بایستی این جنبش را با دید طولانی کوشش کرد که به شکست کشاند. از دو راه هم آنها مبارزه با جنبش را شروع کردند یکی از راه خارجی علنی و یکی هم از راه داخلی. راه خارجی - علنی آن عبارت بود از فشارهای اقتصادی به اشکال مختلف در آن چارچوبی که آنروز ممکن بود، فشارهای سیاسی در مجامع بین‌المللی، اولتیماتوم دادن تحریک کردن و از راه داخلی به وسیله نفوذ در داخل جنبش انقلابی و منفرج کردن آن از داخل، امپریالیسم آمریکا و انگلستان از دیرزمانی به این فکر افتادند که می‌بایستی در ستاد جنبش انقلابی نمایندگان خودشان را جا کنند؛ امثال بقای؟ مکی، حائری‌زاده، شمس قنات‌آبادی و ملکی مدیر ستاره و تمام آن اسامی که ما در آن نشریات خودمان داده‌ایم که از هیجده نفر موسسین جبهه ملی نه نفر از وابستگان مسلم به امپریالیسم آمریکا و انگلیس بودند. امپریالیسم با دوربینی، این افراد خودش را در آنجا جا زد. این تجربه بسیار مفیدی است چون بعدا ما دیدیم که نقش این عده چطور در همکاری با ضد انقلاب یعنی با دربار، زاهدی، ارتش‌ها، تمام امراء و ملاکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ که در جهت ضدانقلاب بودند اجرا شد و چطور این‌ها از داخل جنبه ملی را به معنی کامل کلمه منفرج کردند آنها این جبهه را تضعیف کردند، پولش کردند و توانستند حتی در بین هرمان صادق جبهه ملی اختلاف ایجاد بکنند، دو دستگی ایجاد بکنند، آنها را به چنان همدیگر بیندازند، از نقاط ضعفشان برای اعمال قدرت و نفوذ خودشان استفاده بکنند و واقعا جنبش را از داخل بکلی درهم بشکنند.

بقیه در صفحه ۷

هم کوشش خواهیم کرد که این تحریکات و افتراها را فاش بکنیم. ما عقیده راسخ داریم که تاریخ از هر دروغ و افترا بی‌رومندتر است، همین واقعه کودتای ۲۸ مرداد به یقین که از زیر تمام این خاک‌رویه‌های که ضدانقلاب، ساواک، امپریالیسم برای پوشاندن خیانت‌های خودشان و تمام آن خاشاک و یوغالی که ملی‌گرایان دروغین آنها را که به نام دکتر مصدق با آمریکا و بارزیم شاه‌سازش کردند روی آن ریخته‌اند، کم‌کم دارد بیرون می‌آید. تاریخ دارد یواش یواش نشان میدهد که چه جریانات مخفی در شکست جنبش ملی شدن نفت تاثیر داشت. البته یکی از آن عوامل هنوز هم متأسفانه به آن توجه نمیشود یا سبها یا عدا به آن توجه نمیشود. شرایط آن سالهای مبارزه است. گاهی اوقات مطالب را طوری طرح می‌کنند که گوئی تناسب نیروهای جهانی در آن دوران و برای سال ۱۳۳۲ همان تناسبی بوده است که امروز هست. یعنی یک امریکایی تا این حد ضعیف شده که امروز هست و یک جبهه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی تا این حد قوی شده که امروز هست. اصلا سبها و یا عدا در نظر نمیگیرند که شرایط آن زمان چگونه بوده است. در آن زمان هنوز ایران تازه از اولین کشورهای زیر سلطه امپریالیسم بود که پرچم مبارزه برای استقلال را بلند کرده بود. هنوز تقریبا نود و پنج درصد کشورهای نواستقلال کنونی دنیا مستعمره کامل انگلستان و فرانسه و منطقه کامل نفوذ امپریالیسم تازه نفس آمریکا بودند که میخواست تمام دنیا را تسخیر کند. در آن تاریخ تازه اولین جوانه‌های این نبرد ضد امپریالیستی دوران بعد از جنگ دوم جهانی شروع میشد و ایران ما از اولین پرچمداران این نبرد بود و هنوز تناسب نیروها در جبهه جهانی ضد امپریالیستی و جبهه ضد امپریالیسم بطور غیر قابل مقایسه‌ای به سود قدرت امپریالیست‌ها بود. امریکایی که در تمام دوران جنگ حتی یک خانه در کشورش خراب نشده بود و صنایعش به چندین برابر توسعه پیدا کرده بود، بسب اتمی به طور انحصاری در اختیارش بود و در مقابل امپریالیسم کشورهای سوسیالیستی به صورت نیمه‌جان از جنگ بیرون آمده بودند. شوروی که با بیست میلیون کشته و بیست میلیون زخمی و خرابیهای بی‌حساب از جنگ بیرون آمده بود کجا و شوروی امروز کجا؟ که بزرگترین قدرت یکی از بزرگترین قدرتهای سیاسی و اقتصادی جهان هست. از لحاظ اقتصادی واقعا در آن روزهای سال ۱۳۳۲ من نمی‌دانم که کشورهای سوسیالیستی، اصلا یک دانه نفت کس در اختیار داشتند یا نه. قسمت اعظم بحریه تجارتشان در طول جنگ از بین رفته بود خلاصه بسیار کودکانه، از روی بی‌اطلاعی و یا مغرضانه است. قضاوت‌هایی که درباره مسائل جنبش نفت ایران می‌شود، هم از لحاظ داخلی و هم از لحاظ خارجی. خوب قضاوت‌هایی که از روی بی‌اطلاعی میشود، از طرف نیروهایی که صدیق هستند، راستگو هستند، علاقمند به انقلاب هستند واقعا مایه تاسف ماست. به نظر ما این نیروهای صدیق انقلابی که می‌خواهند این ملترا به طرف اعتلا و خوشبختی و نیکبختی ببرند باید کمی به خودشان زحمت بدهند که آن بخش‌های بسیار مهم تاریخ جنبش ما را، تاریخ انقلاب ما را که دانشکده‌هایی برای پندآموزی و تجربه‌اندوزی ما هستند مطالعه کنند و به دقت مطالعه کنند نه اینکه معلوماتشان را از نوشته‌های روزنامه شاهد، تهران مصور و آیندگان و بامداد و امثال این‌ها بگیرند. با کمال تاسف باید گفت که حتی افرادی که خودشان را مبارز و انقلابی میدانند و مدعیند که تاریخ تمام انقلاب‌های جهانی را میدانند که هیچ، اصلا فصول جدیدی هم بر تاریخ انقلابها نوشته‌اند و راه‌های جدیدی برای پیروزی انقلاب کشف کرده‌اند. اطلاعات آنها هم از همین حدود تجاوز نمی‌کند. این نوشته‌های آقای رجوی (من به آنها جداگانه خواهم پرداخت) نشان دهنده همین سطحی بودن و حشتناک حتی مبارزین و مدعیان انقلابی بودن در کشور ماست حالا وقتی اینها مطالعه اجتماعی‌شان در این سطح باشد خوب بر دیگران که ادعائی هم ندارند خرجی نیست. ما همینقدر می‌توانیم به این دوستان هر قدر هم که ما به بدگویی بکنند توصیه بکنیم که دوستان این قدر مدارا کنید و روشنگر تاریخ سی سال گذشته کشور ما مطرح و منتشر شده، خوبست اینها را با نظر انتقادی عمیق بخوانند و اگر واقعا هم می‌بینند که در آنها نواقص هست، اشتباهاتی هست این اشتباهات را سعی بکنید که با کمک متقابل رفع بکنیم و تاریخ این دوران را بر پایه درست‌ترین تنظیم بکنیم و آنرا از اینگونه سفسطه بازبهای هر زورمند و هر قدرتمندی و هر مقام اجتماعی دیگر خارج بکنیم. خوب این بود گفتاری مختصر درباره حوادث آن روز.

بودند. ساواکی‌ها فقط توانسته بودند آنها را برای آن حرکت آلتی کنند در بعضی موارد هم اصلا ساواک توانسته یک چنین سازمان‌هایی را در ایران به وجود بیاورد و این سازمان‌ها را اصلا اداره می‌کند، هدایت می‌کند، منتها به اینها پرچم خیلی قابل دفاع داده به نام پرچم دفاع از مذهب یا پرچم دفاع از نژاد. و ما اطمینان داریم که به اشکال مختلف چنین کاری را در جهات مختلف هم انجام می‌دهند. همین الان یک گزارشی از انگلستان برای ما رسیده است از دوستانی که از آنجا اطلاعاتی بدست آورده‌اند که گروه‌هایی بنام سازمان جوانان طرفدار سلطنت که زیر نظر جبهه متحدی از اویسی، امینی و بختیار و جم و نیاوندی، آریانا و خسروانی و غیره غیره هستند و عمل می‌کنند؛ گروهک سپندا. که اینها افرادی را می‌فرستند در داخل ایران و متد‌هایی که قرار است به کار ببرند عبارتند از: حمله و تخریب به نام و به عنوان حفظ اسلام در ایران، ایجاد اغتشاش‌های محلی، به نام اعضاء حزب توده ایران در ایران و خارج. ببینید دوشویه ظاهرا متضاد را اینجا «د» و «ه» نام برده‌اند. شیوه‌هایی که این‌ها می‌بایستی بکار ببرند اینستکه بعضی از گروه‌هایشان بیایند عملیاتی انجام بدهند به نام حفظ اسلام در ایران، عملیات حمله و تخریب و آدم‌کشی و غیره و غیره برای چی؟ برای اینکه سلفانان مبارز را بنام بکنند. اغتشاش‌های محلی ایجاد بکنند به نام اعضاء حزب توده ایران. برای چی؟ برای اینکه حزب توده ایران را در مقابل مسلمانان بگذارند. این دیگر می‌شود گفت تازه‌ترین خبری است که همین امروز صبح به مارسیده است از فعالیت گروه سپندا، که تاکنون چند دسته از افرادی را توانسته است بفرستد به ایران. این شیوه، شیوه‌ایست که ما همیشه در مقابل آن برحذر داشته‌ایم تا نیروهای مبارز و انقلابی در دانش نیتند و گول نخورند.

### انقلابیون مسئول و دولتمردان متهم باید در دام بیفتند

ولی با کمال تاسف ما شاهد این هستیم که نیروهای مبارز بخصوص حتی افراد مسئول و فعال در حاکمیت کنونی خیلی آسان با دوتا خبر دروغین که یک مامور ساواکی که در یک جا می‌آید - کمیته‌ای - جا گرفته به آنها برساند در چنین دام‌هایی می‌افتند و آنوقت با وجود سیاست حزب ما که از آفتاب روشن‌تر است و در دو سال و نیم اخیر نشان دهنده این هست که کوچکترین افرادی به تمام فعالیت و تبلیغات ما در جبهه‌ای بکنند نسبت به مسائل انقلاب ایران دچار اشتباهی شده باشیم نمی‌توانند پیدا بکنند، معداک گزارش یک خبرچینی که معلوم نیست از کجا آمده، کی او را می‌گردانند از طرف کی به او پول داده شده تا هم گزارش دروغینی بنویسد، این دولتمردان ما را هم حتی در دام می‌اندازد و ادا می‌کند به این که اظهار نظرهایی بکنند که این اظهار نظرها به کلی دور از واقعیت هست. این اشتباهات تنها می‌تواند کمک بکند به تحریکات حریف، به ایجاد باز هم دشمنی و خصومت بین نیروهای اصیل که امروز از انقلاب دفاع می‌کنند. در این چارچوب ما با کمال تاسف شاهد این هستیم که به خصوص در این دوران برگزاری سالروز مرگ دکتر مصدق در مطبوعات یک کارزار تبلیغاتی حمله ناچوانمردانه به حزب توده ایران از طرف عده زیادی از افراد باز در گرفت، البته آنچه که مربوط به جبهه ملی و نسبت آزادی است برای ما غیر قابل انتظار، غیر منظره نبود، برای اینکه آنها برای پوشاندن ضعف و خیانت خودشان به جنبش انقلابی ایران در گذشته و در حال مجبور هستند که چنین سیاستی را در پیش بگیرند. تاریخ دارد یواش یواش روشن می‌کند، و نشان می‌دهد که واقعا جنبش انقلابی ما در گذشته چه بوده و چه عناصری در آن چه نقش‌هایی بازی کرده‌اند. ولی از طرف نیروهای اصیل انقلابی که الان در جبهه نبرد با امپریالیسم هستند ما فقط می‌توانیم ابراز تاسف بکنیم که خوب چطور ممکن هست مطالبی را بیان کنند که این مطالب مطلقا بی‌پایه و خلاف حقیقت است. بیان اینگونه مطالب بکلی بی‌پایه و نادرست از طرف دولتمردان و مسئولین نشان میدهد که آنها از آنچه که گذشته و آنچه که الان اسناد و مدارک مفصل درباره‌اش هست بکلی بی‌اطلاع هستند و یا اینکه آنقدر دچار پیشداوریها هستند که باعث میشود در برداشتهای سیاسی‌شان به تحریف حقایق بپردازند و مطالب نادرستی را با استفاده از موفقیت بزرگی که انقلاب در اختیار آنها گذاشته است بخورد مردم دهند. این یک بی‌مسئولیتی بزرگ است که ما فقط می‌توانیم نسبت به آن ابراز تاسف شدید بکنیم

### ما با تمام صداقت برای پیروزی انقلاب بزرگ کشورمان مبارزه میکنیم

البته آن کاری که از ما برمی‌آید آن هست که باز هم تاریخ را چنانکه گذشته، وقایع را چنان که جریان داشته، نشان بدهیم. البته تا حدودی که امکانات در اختیار داریم، امکانات بسیار محدودی که داریم زیرا ما نه رادیو داریم، نه تلویزیون داریم، نه روزنامه‌های دوپست هزار شماره‌ای در اختیارمان هست، ما در حدود امکانات بسیار محدود خود کوشیده‌ایم و باز

در جلسه علنی دیروز مجلس:

هدف این است ما را از مسأله اصلی مبارزه با امپریالیسم آمریکا بازدارند

★ با وجود خروج لیبرال‌ها از مجلس، طرح انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست تصویب شد.
★ یکی از نمایندگان: اگر اصلاحات ارضی بطور کامل انجام نشود، آنوقت توطئه‌های امپریالیسم می‌تواند کارآئی داشته باشد و توده‌ها را مایوس کند.
★ مجلس به وزرای دارایی و امور اقتصادی و بازرگانی رای اعتماد داد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی ایران، که به ریاست‌حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، با اینکه لیبرال‌ها برای دومین بار مجلس را ترک کردند، طرح انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست تصویب شد. شورای نگهبان قانون اساسی در همین جلسه اعلام داشت که طرح تصویب‌شده مغایر با قانون اساسی نیست. در همین جلسه، آقای حسین کاظمی‌پور اردبیلی بعنوان وزیر بازرگانی و آقای حسین نمازی بعنوان وزیر اقتصاد و دارایی به مجلس معرفی شدند و مجلس به آنها با اکثریت آراء رای اعتماد داد. نخستین ناطق پیش از دستور این جلسه محمدامین سازگار نژاد بود. ناطق در آغاز سخنان خود، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی گفت:

شده، و آنوقت است که توطئه‌های امپریالیسم می‌تواند کارآئی داشته باشد و توده‌های ما را مایوس کند. دومین ناطق پیش از دستور عطاءالله مهاجرانی، نماینده شیراز بود. ناطق در آغاز سخنان خود به مقایسه مطالبی که رئیس‌جمهور و روزنامه انقلاب اسلامی در مورد چماق‌داری، لیبرالیسم و درگیری‌های مختلف در نقاط مختلف کشور، قبل و بعد از انحصار ریاست جمهوری عنوان کرده‌اند، اشاره کرد و گفت:

«اینک که دشمنان انقلاب میخواهند کشتی انقلاب را به چنگ بکشند، ۱۷ شهریور، میدان آزادی‌ها، قضیه دانشگاه و تمام این برچوردن‌های مضمی باعث نخواهد شد که دولت و انقلاب از کار اصلی خود، یعنی مبارزگی و برقرار کردن بنیادهای انقلاب غافل بمانند»

ناطق آنگاه به برخی تبلیغات حادثه‌ساز در مورد ترور رئیس‌جمهوری که به‌طور مرتب در کارنامه رئیس‌جمهوری به آن اشاره می‌شود، اشاره کرد و با توجه به اظهارات تیمسار فلاحتی، رئیس ستاد مشترک، که گفته بود مسئولیت جان رئیس‌جمهوری با ایشان است، گفت:

«هدف این است که ما را از مسئله اصلی، که مبارزه با امپریالیسم آمریکا است، بازدارند و مشغول خود کنند. در این ارتباط وظیفه مهم است که این صحنه‌سازیها فکر آنها را از مسئله اصلی، یعنی آمریکای

«اینک که می‌دانند کسه صدام نمی‌تواند جنگ را در بعد نظامی ببرد، بحران سیاسی داخلی را شروع کرده‌اند، چون می‌دانند که اگر جامعه را دو قطبی کنند، می‌تواند به انقلاب ضربه بزند» وی سپس ضمن تشریح این توطئه‌ها، از نیروهای خط امام خواست که:

«اگر در شیوه‌های تبلیغ دچار اشتباه شدند، در این شیوه‌ها تجدیدنظر کنند». ناطق در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله اصلاحات ارضی اشاره کرد و گفت:

«نظام مالکی در روستاها در ارتباط با نظام شاهنشاهی است. امروز شاخه‌های گندم و برنجی که روستائیان ما تولید می‌کنند، به مثابه بیبی است که به‌سز آمریکا و استعمار جهانی می‌ریزند. به همین دلیل ما باید برای روستائیان امکان کشت و کار فراهم کنیم. چرا بعضی‌ها می‌گویند طرح اصلاحات ارضی غیر شرعی است... اگر ما این کارها را نکنیم، توطئه‌ها گسترده‌تر خواهد شد و نارسایی‌ها به نارسایی‌ها تبدیل خواهد

رفیق نورالدین کیانوری...

بقیه از صفحه ۶
از نهادهای انقلابی دفاع کنیم و امکان رسوخ را به عوامل آمریکا ندهیم

خوب حالا واقعا رهبری انقلابی کنونی ماضور میکند که امپریالیسم آمریکا و انگلستان با چنین تجربه موفقیت‌آمیز سال‌های پیش خود کسانی را نداشته‌اند یا نتوانستند کسانی را در نهادهای انقلابی ما، در سازمان‌های مختلف وارد بکنند. آیا ما میتوانیم اینقدر خام باشیم که فکر بکنیم که این کار را انجام نداده‌اند و بخشی قابل توجهی از این وضعی که الان در جامعه در حال رشد و تکوین هست بستگی به عمل همین گروه افراد و درجه‌های مختلف در پست‌های حساس مختلف ندارد. انقلاب ایران بعضی از این قیافه‌ها را شناخت، افشا کرد و به‌ویژه با کاری که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام کردند که این لانه توطئه ضدانقلابی را توانستند تسخیر بکنند. البته متأسفانه خیلی دیر شد، یعنی پس از آنکه مهمترین اسناد از آن‌جا خارج شده بود و یادرهمان چند ساعت اول موفق شده بودند که اسناد مهم را ازین ببرند ولی در هر صورت با وجود همه این پیشامدهای منفی، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام موفق شدند که یک گنجینه‌ای از این شیوه عمل‌سپا که نظیر آن هم‌حتملا در واحداثی‌سروسویس وجود داشته است پیدا بکنند یا دلایل مشخص و حتی

چنانکار باز نبارد و همچنان در صحنه بمانند». ناطق در بخشی دیگر از سخنان خود، برای رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس سئوال‌هایی از جمله در ارتباط با توهین و نادیده گرفتن قانون اساسی، مطرح کرد. وی سپس به از اکثریت‌انداختن جلسه روز سه‌شنبه مجلس توسط عده‌ای از نمایندگان اشاره کرد و گفت:

«آیا عید تکمیل کابینه همان هدف آمریکا نیست؟ پس از نطق قبل از دستور ضرعگاهی، رئیس مجلس در مورد طرح قانونی انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست گفت:

«این طرح طبق آیین‌نامه موجود به هیچوجه نمی‌تواند از دستور بیرون برده شود». وی همچنین در مورد شکایات برخی از نمایندگان مجلس در مورد توهینی که روزنامه «هیزان» در مقاله دیروز خود نسبت به نمایندگان مجلس به‌عمل آورده بود، گفت:

«ما این شکایات را رسیدگی می‌کنیم و نتیجه را به تصاویر مرسوم خواهیم رساند». آنگاه مجلس برای رسیدگی به طرح قانونی انتخاب سرپرست وزارتخانه‌های بی‌سرپرست وارد دستور شد.

پیش از شروع بحث در این باره، گروهی از لیبرال‌ها، که یک اقلیت ۱۴ نفره را تشکیل می‌دادند، برای از اکثریت‌انداختن مجلس، جلسه را ترک کردند. ولی بعلمت حضور ۱۸۳ نماینده شد و پس از سخنان موافق و مخالف، در مجلس، عمل آنها با شکست روبرو رای‌گیری بعمل آمد و با اکثریت قاطع آراء طرح قانونی انتخاب سرپرست برای وزارتخانه‌های بی‌سرپرست، با تغییراتی، به تصویب رسید و مجلس وارد تنفس شد. بعد از تنفس، محمدعلی رجایی

نخست‌وزیر، حسین کاظمی‌پور اردبیلی را بعنوان وزیر بازرگانی، و حسین نمازی را بعنوان وزیر اقتصاد و دارایی به مجلس معرفی کرد.

حسین نمازی هنگام معرفی خود، رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد را اعلام کرد. او از جمله گفت که هدف اجرای قانون اساسی و بطور مشخصی اجرای اصول سوم، چهل و سوم و پانزدهم و بیست و یکم قانون بازرگانی خارجی است. او همچنین گفت که برای توزیع عادلانه کالا، به‌توانیها در شهر و روستا تکیه خواهد شد؛ بعد از سخنان موافق و مخالف، با ورقه رای‌گیری شد و مجلس با ۱۵۲ رای موافق به حسین نمازی و با ۱۱۴ رای موافق به کاظمی‌پور رای اعتماد داد.

در حاشیه... اکل میت

لیبرال‌ها، پس از خروج از جلسه برای از اکثریت‌انداختن مجلس، در تالار بیرونی مجلس مصاحبه مطبوعاتی تشکیل دادند. در این مصاحبه همچنین بازرگانان، ضمن توضیح اینکه برای شخص رو به‌مرگ «اکل میت» (خوردن مرده) حلال است، گفت: «این عمل ما هم عینا اکل میت بوده».

پژئینسکی - وزیر خارجه ایران!

پس از خروج لیبرال‌ها از مجلس، حجت‌الاسلام خلخالی گفت: «بیتسا دلشان میخواهد برژئینسکی بیاید وزیر امور خارجه ایران بشود».

پزدی مستشاران آمریکا را فراری داد

حجت‌الاسلام خلخالی، بعد از مصاحبه مطبوعاتی لیبرال‌ها، یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داد و در آن از جمله گفت: «مساله به این سادگی نیست، بعنوان کویدن شوروی و مرگ بر توده‌ای می‌خواهند امریکائی‌ها را بیاورند تو». او همچنین گفت: «همین آقای یزدی ۷۰۰ نفر از مستشاران نظامی آمریکا را سوار هواپیما کرد و فراری داد». وی افزود: «خیانت‌های آقای بازرگان را من خواهم گفت. خیانت‌های آقای برژئینسکی... ببخشید، آقای یزدی را خواهم گفت. اینها و کلای مردم نیستند. قیافه‌اشان را پوشانده بودند مردم گول خوردند. آقای بازرگان با حرکت‌های آقای خمینی از اول تا آخر مخالف بوده است».

با آتش یکانهای...

بقیه از صفحه ۱

جبهه‌های غرب و جنوب کشور، از جمله آبادان، گرگه، سوسنگرد و خونین‌شهر، ضربات سختی بر پیکر دشمن وارد آمد.

بر اساس اطلاعیه ۴۳۰۰ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روزهای گذشته و نوزدهم اسفند، در نتیجه اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بیوزی موفق و دشمن، چهار انفار صیحات، دو موشک تانک، دو خودرو، یک خودرو، یک موشک تیربار، یک موشک موشک‌انداز، و تعدادی سنگر بتونی دشمن منهدم شد. عده‌ای از افراد نظامی عراقی به هلاکت رسیدند.

در ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه دیروز دو فروند هواپیمای عراقی، با دکان مروان را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه این حمله دو تن از افراد نظامی ما شهید و ۷ تن مجروح شدند. ضمناً یک فروند هلیکوپتر ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در ساعت ۱۰ با مامداد دیروز در جاده سهندج - بم‌پوان سقوط کرد که خلبان، کبهک‌خلبان و دو تن از سرنشینان آن شهید و یک تن نیز زخمی شدند.

در روز ۱۸ اسفندماه، در نتیجه آتش یکانه‌های نیروی دریایی به مواضع متجاوزان صدامی، چندین سنگر در بخش اشغالی خونین‌شهر منهدم شد و تلفات قابل‌ملاحظه‌ای به ارتش صدام وارد شد.

در همین روز در منطقه دزفول مدافعان انقلاب در یکی از جبهه‌ها با دشمن درگیر شدند، که در اثر مقاومت شدید یکانه‌های ما، قوای دشمن با دادن تلفات مجبور به عقب‌نشینی شدند. در یکی از جبهه‌های این منطقه نیز یک گردان مکانیزه دشمن، که قصد تویخانه و پشتیبانی هوایی رزمندگان ما متوقف و از پیشروی آنها جلوگیری شد.

روز هفدهم اسفندماه در منطقه ایلام یکانی از نیروهای مسلح ما زیر آتش تانک و نفربرهای دشمن که در حال پیشروی بودند قرار گرفت که با عکس‌العمل شدید نیروهای ما قوای دشمن با تحمل ضایعات و تلفات زیاد ناچار به عقب‌نشینی شد.

روز هفدهم اسفندماه در منطقه نتیجه آتش توپخانه و خمپاره‌انداز دشمن روی مناطق مسکونی آبادان ۵۰ واحد مسکونی و ۴ باب مغازه ویران شد. همچنین چند هواپیمای دشمن در ارتفاعات زیاد در آسمان آبادان ظاهر شدند که با مقابله آتش پدافند هوایی ما روبرو و متواری شدند.

برقرار باد اتحاد همه

نیروهای ضد

امپریالیستی و

دمکراتیک ایران در

جبهه متحد خلق!

### ضد انقلاب در سواد کوه فعال است

ضد انقلابیون و عمال بختیار در سواد کوه و شیرگاه شمارهایی را که در پشتیبانی از انقلاب است پاك می کنند و بجای آن شمارهای ضدانقلابی می نویسند.

هنگامی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سند جاسوسی «نزیه» را افشا کردند، این عناصر وابسته به بختیار، تیز شیرگاه دیوارهای شهر را با شمارهای حمایت از «نزیه» پر کردند. آنها همچنین هنگامی که توطئه امپریالیسم آمریکا

از طریق تجاوز نظامی به طیس، به بهانه آزادی دگرگانها به شکست انجامید، شروع به نوشتن شعارهای ضدانقلابی کردند. عمال بختیار علاوه بر نوشتن شعارهای ضدانقلابی، شمارهایی را که در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و دستاوردهای آن است، نیز پاك می کنند.

ما از نهادهای انقلابی این منطقه میخواهیم که هر چه سریعتر دست این عناصر ضدانقلابی را کوتاه کنند و با شناسایی و دستگیری آنان، مانع فعالیت خرابکارانه آنان شوند.

### ضد انقلاب برای به اعتصاب کشاندن مرغداریهای همدان در تلاش است

طبق اخبار موثقی که از شهر همدان رسیده است، مرغداران بزرگ همدان برای ایجاد کمبود در بازار و در نتیجه ایجاد نارضایتی بین مردم، قصد دارند که هنگام عید نوروز دست به اعتصاب بزنند. این مرغداران با برخی از سرمایه داران بزرگ تهران و همدان نیز در ارتباطند. بی شک در شرایطی که به گفته تمامی مسئولان مملکتی، هر گونه اعتصاب، تضییع و کم کاری توطئه ای ضدانقلابی برای

فلج کردن اقتصاد کشور و جمهوری اسلامی ایران است، به اعتصاب کشاندن مرغداریهای همدان نمیتواند بدون ارتباط با توطئه های امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران بزرگ وابسته باشد. ما ضمن هشدار درباره این توطئه جدید، از مقامات مسئول کشور، بخصوص ستاد بسیج اقتصادی، میخواهیم که برای عقیم گذاشتن آن اقدام کنند و نگذارند که خواستهای مرغداران زمینه سوء استفاده ضدانقلابیون شود.

### پیمان نظامی...

بقیه از صفحه ۱

حضور، دست به تقویت آن نیز مینزد، زیرا که مقصود واقعی آن، بقول کارتر، «حفظ منافع حیاتی آمریکا» یعنی پیشبرد تاجاگرکیها و تجاوزهای امپریالیسم آمریکا در منطقه، از جمله بویژه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

روشن است که متحدان امپریالیستی آمریکا نیز نمی توانند سرمشق و سرکرده خود را در این امر «حیاتی» تنها بگذارند. اینجاست که خانم تاجر، نخست وزیر بریتانیای بحران زده، نیز به یاری «سرعمو» می شتابد و تشکیل «سپاه چند ملیتی غرب» را پیشنهاد میکند - پیشنهادی که این روزها خشم، تکرانی و آنزجار خلقهای کشورهای منطقه خلیج فارس را برانگیخته است.

طبیعی است که رژیم های ارتجاعی منطقه هم نقش درخوره خویش را در این توطئه گسترده امپریالیستی دارا هستند. آخرین نمونه این خوش خدمتی، کنفرانس وزیران خارجه دولت های سرسبیده شش کشور خلیج - یعنی عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عرب، قطر، عمان و بحرین - بود که زیر پوشش رسمی برقراری «روابط نزدیکتری در امور اقتصادی، سیاسی و امنیتی» و «هماهنگی سیاستهای کشورهای عضو» در مسقط برگزار شد و در روز ۱۹ اسفند ۵۹ پایان یافت.

چنانکه در اعلامیه رسمی «کنفرانس مسقط» گفته شده است، در این کنفرانس اساسنامه ای بامضاء رسید، که بموجب آن، از جمله، «شورای عالی از رهبران دولت های عضو» و «شورایی از وزیران» تشکیل خواهد گردید. (بگزارش خبرگزاریهای غربی،

### نماینده امام در پادگان نوزه: اگر هشیار نباشیم امپریالیسم باز می گردد

حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در پادگان نوزه، طی سخنانی در مسجد جامع سمنان، هشدار داد که امپریالیسم یا فراهم کردن زمینه های مناسب میکوشد سلطه خود را بر ایران تجدید کند.

حجت الاسلام رضوانی، که در برابر گروه کثیری از مردم سمنان سخن میگفت، در آغاز، ضمن اشاره به دوران رژیم طاغوت و دشواریها و خفگان آن دوران، خطاب به مسئولین مملکتی گفت: «مسئولین مملکتی... باید مواظب باشند. اگر زمینه های نامربوط فراهم شود، امپریالیسم که با پیرونی رفته، یا سر باز می گردد. مردم هشیار باشید.» وی همچنین اظهار داشت: «اگر عراق دست از سر ما برداشت، فکر نکنید که کار تمام است»



### مداخلات نظامی آمریکا در السالوادور، ویتنام را بیاد می آورد

در دانشگاه کالیفرنیه ایالات متحده آمریکا، گروههایی بزرگی به نشانه اعتراض علیه دخالت آمریکا در السالوادور برپا شدند. یکی از سخنرانان عملیات کنونی آمریکا را علیه السالوادور، به مرحله نخستین مداخلات این کشور در ویتنام تشبیه کرد.

در اوکلند (کالیفرنیا) نیز تظاهراتی در برابر حوزه های سر باز گیری صورت گرفت. تظاهر کنندگان، که بیشتر آنها را جوانان تشکیل میدادند، اعلام کردند که حاضر نیستند طعمه توپ ماجراجویان «پنتاگون» شوند.

### اعتراض دانشجویان امریکایی علیه مداخله نظامی در السالوادور

دانشجویان دانشگاه هارتفورد در شهر هارتینگتن، در برابر منزل الکساندر ریگ، وزیر امور خارجه آمریکا، تظاهراتی برپا کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات مداخله دولت آمریکا در ویتنام و های السالوادور را محکوم و از دولت طلب کردند که به مداخله خود و صدور اسلحه و تجهیزات نظامی به السالوادور پایان دهد. تظاهر کنندگان شعار میدادند: «مردم السالوادور حق دارند که خود سرنوشت خویش را تعیین کنند».

### اعتراض به افزایش هزینه های نظامی در آمریکا

بنجامین هوکس، مدیر عامل سازمان ملی مساعدت و ترقی اقوام غیر سفید پوست آمریکا، به افزایش بودجه نظامی دولت آمریکا اعتراض کرد. بنجامین هوکس طی يك مصاحبه مطبوعاتی در جلوی کاپیتول در واشنگتن، در میان ۴۵۰ هزار نفر آمریکائی هوادار این سازمان، لایحه بودجه جدید کشور را، که از جانب دولت به کنگره ارائه شده است، مورد انتقاد قرار داد. وی خاطر نشان کرد که افزایش هزینه های نظامی، به حساب کاهش اعتبارات ویژه نیازمندیهای اجتماعی، شرایط زندگی فقیرترین اقشار اهالی کشور، بویژه غیر سفیدپوستان را وخیم تر میکند.

### دیدار لئونید برژنف با له دوان

روز نوزدهم اسفند ۵۹، له دوان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، که در راس هیئت نمایندگی آن حزب در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت داشت، با لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد.

له دوان از جانب خود و حزب کمونیست ویتنام انجام موفقیت آمیز کار بیست و ششمین کنگره و گزینش مجدد لئونید برژنف به دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را شادباش گفت.

له دوان ضمن تأیید ارزیابیهای کنگره درباره اوضاع بین المللی، پشتیبانی حزب کمونیست و دولت ویتنام را از برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه سیاست خارجی، که هدفش دفاع از صلح، گسترش روابط و همکاری میان خلقها و شناسایی و احترام به حقوق حاکمیت و استقلال همه خلقهاست، بیان داشت.

له دوان گفت:

«مردم ویتنام از کمکها و پشتیبانی موثر و دائمی اتحاد شوروی، بویژه در زمینه سازندگی زندگی نوین، ساختمان سوسیالیسم و دفاع از کشور سوسیالیستی ویتنام، سپاسگزارند».

در این دیدار لئونید برژنف اظهار داشت: «پشتیبانی حزب کمونیست و دولت شوروی از خلق ویتنام و جمهوری سوسیالیستی ویتنام در اتحاد شوروی مورد تأیید همگانی است».

لئونید برژنف خاطر نشان کرد که: «دولت اتحاد شوروی سیاست فعال و صلح جوانه جمهوری سوسیالیستی ویتنام را که، در سمت حسن همجواری و گسترش روابط و همکاریها میان کشورهای منطقه جنوب خاوری آسیاست، تأیید میکند و نسبت به کوششهای دولت ویتنام برای تبدیل این منطقه به منطقه صلح، همبستگی کامل دارد».

در جریان این دیدار همچنین پیرامون برنامه های مربوط به روابط اقتصادی و همکاریهای دو کشور در آینده گفتگو شد. در ارزیابی اوضاع بین المللی و سایر مسائل مورد مذاکره نیز رهبران دو کشور اتفاق نظر کامل داشتند.

### شرکت متجاوز از هزار نفر مستشار نظامی امریکایی در سرکوب میهن دوستان در السالوادور

شهر مشاهده کردند، بدون اختار قبلی، هدف گلوله قرار دهند. مستشاران نظامی امریکائی، که متجاوز از هزار نفرند، در تمام شهرها و مناطق کشور، رهبری عملیات سرکوب میهن دوستان را

طی دوروز اخیر، میان نیروهای آزادیبخش السالوادور با دارودسته هواداران رژیم حاکم نبردهای شدیدی در گرفت. در اکثر شهرهای کشور به سربازان دستور داده شده است که پس از ساعت ۹ شب، هر کس را در خیابانهای

### دیدار الیاس سرکیس با حافظ اسد

الیاس سرکیس، رئیس جمهور لبنان، که بمنظور تبادل نظر درباره اوضاع جنوب لبنان به دمشق رفته است، در دیدار خود با حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، مسئله و خامت روزافزون اوضاع در کشور

لبنان را مورد بررسی قرار داد. این عقیده اند که ادامه و تشدید عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان علت اصلی وخامت روزافزون اوضاع این منطقه است.

مرسده از انزلی	۱۰۰۰۰ ریال	سرس از جهرم	۲۸۰۰ ریال
میر از سیرجان	۲۰۰ ریال	شماره ۱۶ از شیراز	۱۰۰۰ ریال
نما از سیرجان	۱۰۰ ریال	شیراز از یاسوج	۲۰۰۰ ریال
ژم از سیرجان	۱۰۰ ریال	م. ن. ک. از فیروزکوه	۵۰۰۰ ریال
عارف از سیرجان	۱۰۰ ریال	ش. - ف. از فیروزکوه	۵۰۰ ریال
۱ - ر از شهرکرد	۱۸۰۰ ریال		
غ-م از شهرکرد	۵۰۰ ریال		
روزیه - م از شهرکرد	۲۰۰۰ ریال		
دوستی از سیرجان	۱۰۰۰ ریال		
فراخوان از شهرکرد	۳۰۰۰۰ ریال		
حسن از جهرم	۲۰۰۰ ریال		
شاه جهان از اوز فارس	۳۰۰۰۰ ریال		
م. داند	۳۰۰۰۰ ریال		

### کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

ه-م از شهرکرد ۱۰۰۰ ریال  
ف-م از شهرکرد ۶۰۰۰ ریال  
ش-ش از شهرکرد ۱۰۰۰۰ ریال  
یارعلی کشاورز از شهرکرد ۲۵۰۰۰ ریال  
رامک از بندر انزلی ۵۰۰۰۰ ریال  
در مجلس عقد (غائب) از بروجن ۳۱۵۰۰ ریال

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دقت نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM  
No. 466  
12 March 1981

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران